

اعلامیه هیات سیاسی کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)  
درباره دیدار تاریخی  
رهبران اتحاد شوروی و آمریکا در واشنگتن  
در صفحه ۲

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)  
بیروباد قیام حماسه آفرین خلق فلسطین در مناطق اشغالی  
در صفحه ۱۲

**دیدار واشنگتن**  
**گاهی بزرگ در راه محو سلاح هسته‌ای**  
روزهای ۱۶ تا ۱۹ آذرماه ۱۹۸۵ دیدار تاریخی و بسیار پر اهمیت میخائیل گورباچف رهبر اتحاد شوروی و رونالد ریگان رئیس جمهوری آمریکا بود. مذاکره پیرامون تسلیحات هسته‌ای، محور اصلی گفتگوی سران دو کشور بود. در عین حال مناقشات منافع‌آمیزی، مسائل حقوق بشر، جنگ ایران و عراق و تشنج خلیج فارس محورهای دیگر مورد گفتگو بودند.  
مهمترین و برجسته‌ترین دستاورد این دیدار، امضای قرارداد مربوط به از بین بردن موشک‌های میان برد کوتاه برده‌شده‌ای بود. مطابق این قرارداد، موشک‌های میان برد (۱۰۰۰ تا ۵۰۰۰ کیلو متر) ظنیر ۳ سال و موشک‌های کوتاه برد (۸۰۰ تا ۱۰۰۰ کیلو متر) ظرف ۱۷۵ سال آیینده باید نابود شوند. این کار از جانب شوروی و آمریکا همزمان آغاز می‌شود. در مجموع ۲۶۰۰ موشک هسته‌ای کسه معادل ۴٪ ذخیره تسلیحات هسته‌ای طرفین است، نابود خواهد شد. میزان موشک‌های کسه تا دستوروی از بین خواهد برد، چهار برابر موشک‌های آمریکا است. این موشک‌ها طی مدت زمان بنده شده از خاک کشور (چکسلواکی، آلمان، دیمکارا، آلمان فدرال، بلژیک، هلند و...) برپیده و نابود خواهد شد. طرفین متعهد شده‌اند که پس از اعتبار قانونی یافتن این قرارداد توسط شورای عالی اتحاد شوروی و سنای آمریکا، از تولید این نوع موشک‌ها دست بکشند. این قرارداد، نخستین و مهم‌ترین معا هدهدهای است که از ۱۹۴۵ به این سو در راستای خلع سلاح هسته‌ای متعهد شده و مطابق آن، برده کاملی از جنگ افزارهای هسته‌ای نابود می‌شوند. تفاوت اصلی این قرارداد با همه پیمان‌های متعهد به پیشین در آن است که این بار به کنترل تسلیحات هسته‌ای بلکه اقدام بخشی از آن در دستور کار قرار دارد و این نخستین گام در راه از میان بردن زرادخانه هسته‌ای است.  
قرارداد دواشنگتن، گامی مهم در راه رسیدن به جهان عاری از سلاح هسته‌ای و بی‌هول‌ترین سیاست آمریکا و شوروی بوده و نقطه عطفی در مساعیات بین‌المللی است. نقطه عطفی که قبل از هر چیز امکان جرخش از سابقه تسلیحات به خلع سلاح هسته‌ای را در مقیاس جهانی، نشان داد. آنجا که بسیاری از صاحب نظران جهان سرمایه‌داران نیز از آن به‌مثابه آغازی برای پایان جنگ سرد و اظهار اظهار امیدواری نمودند که اشکال جدید رقابت با یکدیگر منجر نشود.  
اگرچه در ایس مذاکرات، ریگان همچنان بر ادامه برنامہ جنگ ستارگان توسط آمریکا تاکید ورزید، اما در عین حال در رابطه با کاهش موشک‌های دور برد هسته‌ای و نیز منع سلاح‌های شیمیایی، طرفین موافقت کردند که به مذاکره بشینند. میخائیل گورباچف در این رابطه گفت: «سال‌ها کاهش تسلیحات بقیه در صفحه ۲»

**بخاطر پایمال کردن حقوق بشر**  
**سازمان ملل جمهوری اسلامی را محکوم کرد!**  
و قبحا نه توجیه می‌کنند. در این راستا ست‌که ولایتی کوشش کرده است محکومیت تازه رژیم را، مخالفت مجامع بین‌المللی با "اسلام" جلوه دهد. این اراجیف را نه مردم گام‌ها و نه آزادی خواهان جهان، نخواهند پذیرفت و رژیم با زهر سوا ترخواهد شد.  
چندی بعد از این رویداد، از سوی سازمان عقوبتین الملل نیز گزارش ویژه‌ای انتشار یافت که در آن گوشه‌ای از جنایات فقها، بر ملا شده بود. کرجه این گزارشها، همه‌جانبه را نمی‌گویند، با این حال نشان می‌دهند که تبهکاران ریه‌ای آخوندها به حدی رسیده است که عقوبتین الملل نیز ناگزیر از افشای آن است. عقوبتین ملل با معین لملل، از جمهوری اسلامی خواسته شده است که میثاق‌های بین‌المللی در زمینه حقوق بشر را رعایت کند. از جمله خواسته شده است که مجازات اعدا مرا انکند و به شکنجه بیا ن دهد. افشای گری‌های پیگیر سازمان ما و دیگر نیروهای مترقی کشور در سبب افکار عمومی جهان و در مخالفت با معین لملل بسیار رژیم، نقش جدی داشته‌ودارد. نهاد و ما این پیکار، موجب انزوای سازمان‌های مترقی‌تر خواهد شد. با یدهمه گناکات را بسبب کردنا وحشی گری رژیم علیه زندانیان و همه نیروهای آزادیخواه کشور، با این پذیرد. باید مبارزه همه نیروهای انقلابی و مترقی کشور علیه این پیدا دگری‌ها، یکپارچه شود.

**واحد‌های هوادار و وظایف آنها**  
در صفحه ۶

**"مبارزه با گرانی" و تصفیه حساب با رقیبان**  
گرانی سرسام‌آور و کالاهای مورد نیاز مردم، مدهات ست زندگی را بر زمینکشان منهن ما غم‌سیر قابل تحمل کرده است. گسترش فقر عمومی در جامعه همچنان سطحی از رشد وریده‌ها ست که دست‌اندرکاران "دوران بدی" حکومت را از طغیان فقرا بهراسانداخته و به آنها تحذیر می‌دهد. اقدامات نیم‌بند و بی‌فراجام نظیر "طرح مبارزه با گران فروشی" و ادانته است. با اینحال برخی مسئولین رژیم سازمان‌ها اقدامات نیز مخالفتند.  
در حالی‌که عده‌ای از مسئولین تلاش دارند کنترل قیمت‌ها و وسع رشد تورم، کل نظام را رتگر سرمایه‌داری را حفظ کرده‌اند. "طغیان فقرا" جلوگیری کنند، عده‌ای دیگر با مراحت می‌گویند که طبق اصل اسلامی "لکاسب حبیب الله" امور "تجزیرات شرعی و جریمه و..." امری است "غیر شرعی".  
طرح‌تجزیرات حکومتی "کشاکنهای درون‌سدت رژیم را بر سرکسب سهم‌بیشتری در قدرت، نداد و در عین حال خود به یکی از موضوعات اختلافات درونی هیات حاکمه تبدیل شده است. محتشمی در سمینار فرماتنداران سراسر کشور به اختلافات درونی رژیم در این عرصه اعتراف کرده و گفت: "اگر ما بخوایم قیمت را تثبیت کنیم، مخالفان می‌گویند این امر شرعی نیست. من نمی‌دانم آنها از کدام شرع دم‌پزند؟" او پس تا کینه‌دیده "اعتراف به دولت غیر شرعی و حرام است" (اطلاعات ۱۳ آبان ۶۶) در سمینار ریا دنده، وزیر کشور رژیم ضمن هشدار به مخالفان "طرح‌تجزیرات حکومتی" گفت: "کسانی بقیه در صفحه ۱۱

**اخراج پناهندگان سیاسی را محکوم می‌کنیم**  
دولت دست راستی زاک شیراک در یک اقدام شتابزده، ۱۴ مهاجده سینیان هده ترک را از کشور فرانسه اخراج نمود. بیس فرانسه بیس از یاداشت پناهندگان، آنها را به زندانی هواپیما بست و به گامین فرستاد.  
دست راستی‌های فرانسه برای اخراج این عده، آنچنان عملدها شتند که فرمت نگردند. حتی عده ترک آنها را بسینند و تنها بعد از اخراج پناهندگان بود که معلوم شد، تعدادی از آنها از کشورهای دیگر حق پناهندگی گرفته بودند و با عنوان توریست به فرانسه آمده بودند.  
در گامین پناهندگان اخراجی دست به اعتصاب غذای "خشک" زدند و تنها پس از ملاقات با رئیس جمهور گامین و کسب اطمینان از اینکه آنها را به رژیم فقها تحویل نخواهند داد، اعتصاب "خشک" را به اعتصاب غذای "تر" تبدیل نمودند. تعدادی از آنها به علت وخامت وضع جسمی در بیمارستان بستری شده‌اند. دوتن از تبعیدیان "معلول" هستند.  
این اقدام دولت شیراک، بعد از یک دوره تشنج در روابط فرانسه و جمهوری اسلامی و در پایان محاصره سفارتخانه‌های طرفین و در پی مذاکرات متعدد انجام گرفته است. همزمان با این اقدام، اعلام کردید که دولت شیراک بخشی از دلارهای بلوکه شده ایران را نیز به رژیم فقها تحویل خواهد داد. ظاهرا رژیم خمینی در از آن، یکی-دو گروگان فرانسه‌وی در لبنان را آزاد می‌کنند.

**اساسنامه:**  
ضمامن نبرد هدفمند و متشکل ما  
درباره ۴

**سال نو میلادی خجسته باد**  
هم‌میتان مسیحی  
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، آغاز سال نو میلادی را به شما ز صمیم قلب شادباش می‌گوید. آرزو دارم سال نو میلادی، سال گسترش پیکار شما قتمندان هم‌وطنان مسیحی و همه مردم ایران علیه رژیم جمهوری اسلامی و علیه تمام مظاهر استبداد اجتماعی، ملی و مذهبی باشد. زندگی در صلح، در آریای دموکراتیک و آزادی ز دستم طبقا، ملی، مذهبی و فرهنگی آمان ما ست.  
در سال جدید برای شما صلح، آزادی، به‌روزی و موفقیت در کار و پیکار آرزوی می‌کنیم.

**زنده باد صلح، زنده باد آزادی، مرگ بر خمینی**

اطلاعیه هیات سیاسی کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

درباره دیدار تاریخی رهبران اتحاد شوروی و آمریکا در واشنگتن

دربی خاتمه دیدار رهبران اتحاد شوروی و آمریکا هیات سیاسی کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) نتایج این دیدار را اهمیت عظیم بین المللی آن را مورد بررسی قرار داد.

هیات سیاسی سازمان ما قرار داد دبرجیدن موشک های هسته ای میان نیروی دو کشور، همبسیان اتحاد شوروی و دولت آمریکا را مورد پشتیبانی قرار داد و آن را یک کام تاریخی در راستای کاهش خطر جنگ هسته ای و یک نقطه عطف کلیدی در اوضاع بین المللی ارزیابی می کند. این قرار داد امید دستیابی به جهانی عاری از سلاح هسته ای و شیمیایی را تقویت کرده است.

طرح ۱۵ ژانویه ۱۹۸۶ رفیق میخائیل گرباچوف در این زمینه که صلاح هسته ای و شیمیایی تا سال دو دهه از راپیش بینی می کند، طرحی است که واقع بینانه نبودن و امکان پذیر نبودن آن را کنفرانس اخیر سران نیز تائید کرده است. سازمان ما در آن زمان این طرح را مورد پشتیبانی قرار داد و اکنون با ردیگر بر این موضع اصولی خود تاکید می کند. قرار داد دبرجیدن و تا بود کردن رده ها کلی

یروز یاد قیام ...

توسعه و جهات دیگر گزاری چنین کنفرانس رهگشایی بین المللی که به نفع هر دو طرف مسئله فلسطین به سود این خلق ستمدیده است، با بیان سلطه جوئی ها و قلدری های خود چو میا در آمریکا می آید و رفع دبریا ترین عامل تشنج در منطقه را می بیند. هموطنان!

موج نوین و کوبنده مقاومت خلق به پا خاسته فلسطین با حمایت عظیم و گسترده بیروتی خا در سر بر جهان رو برورده است، خشم و نفرت از اعمال فدا نانی صهیونیستها، سراسر جهان را فرا گرفته، فریاد اعتراض علیه فاشیت های اسرائیلی در پنج قاره جهان طنین انداخته است. جهانیان خواهان قطع بی درنگ جنایت های اخیر صهیونیست های اسرائیلی و کوبنا شدن دستان متجاوزان لگران نژاد پرست از جان، مال، ناموس و سرزمین فلسطینیها، برای همیشه هستند. بشریت مترقی و افکار عمومی جهان، به حق انکارنا پذیر مخلوق مستعبد فلسطین در برخورداری از کشور مستقل و حاکمیت ملی و مستقل، مهترتا شیدی گویند.

دیدار واشنگتن ...

شعرعی استرا تژیک در مذاکرات جای مرکزی راداشت. این مساله عمده مناسبات اتحاد شوروی و آمریکا است. طرفین بدان نتیجه رسیدند که در این زمینه هم باید پیشرفت جدی تا مین شود. رهبر شوروی در مورد گامی تسلیحات متعارف (سلاح های غیر هسته ای و نفرات نیروهای مسلح) نیز که مورد بحث قرار گرفت، گفت: ما برای بنیادی ترین کاهش ها در میزان تسلیحات متعارف آماده ایم و همچنین تا کیدگر در حرکت ما در راه ایجا دهی تاری از سلاح هسته ای نمی توانیم محدودیه محموشکی های میان برداشد امیدواریم که بدون وقفه نه تنها در جهت کاهش، بلکه محموله های هسته ای پیش برویم. جورج بوش معاون ریاست جمهوری آمریکا علیرغم تا کید بر اختلاف نظر موجود بین آمریکا و شوروی در مورد تسلیحات فضا ای گفت که قبل از پایان دوره ریاست جمهوری ریگان، آمریکا و شوروی در زمینه کاهش سلاح های هسته ای استرا تژیک بیسه توافق خواهند رسید.

دیدار میخائیل گرباچوف و رونالد ریگان در واشنگتن، سومین دیدار آنها طی ۲/۵ سال اخیر و مهمترین دیدار رفیما بین سران دو کشور، در تاریخ معاصر است. نخستین دیدار آنها که در نوامبر ۱۹۸۵ در ژنو صورت گرفت به طرح مسایل کلی محدودماند و به نتیجه عملی و مشخصی منجر نگردید. قفاسیل تا کیدترین فرآیندها نیز به مشترک سران دو کشور در ژنو این بود که: "در مورد مسایل کلیدی، امنیت و آگاهی نسبت به مسئولیت ویژه اتحاد شوروی و آمریکا برای حفظ صلح، طرفین بر این نظرند که یک جنگ هسته ای نمی تواند برنده ای داشته باشد و هیچ رخ دهد". طرفین در آن مذاکره، بر اهمیت پیشگیری از هر جنگی میان آمریکا و شوروی و اعم از جنگ عادی و یا هسته ای، تا کید کردند و متعهد شدند که هیچ یک در صد دستیابی به برتری نظامی بر نخواهند آمد.

دومین دیدار، در اکتبر ۱۹۸۶ در ویک ویک صورت گرفت. دیداری که می با یست از زوده فراتر رفته و به عمل گرا یید. میخائیل گرباچوف با طرحی سنجیده و شجاعانه، با هدف دستیابی به سه جهان عاری از سلاح هسته ای تا پایان سال ۲۰۰۰ در مذاکره شرکت کرد. مذاکرات ریگان و ریگان و یک تاکیدی

از سلاح های هسته ای، با استقبال شورا نگیز وسیع ترین محافل سیاسی و اجتماعی در سراسر جهان رو برورست. قرار داد واشنگتن برای طیف وسیع راپیشات سیاسی و وطنی تا گوناگون، که به راستی اراده تمام بشریت را نمایانندگی می کند و خوا هسان قطع مسابقت تسلیحاتی، کاهش تسلیحات و قطع سلاح هسته ای و شیمیایی هستند، یک پیروزی بزرگ و برای انحصارات سرمایه منصفی که در محافل حاکم کشورهای شوروی و سرمایه داری، سبزه در آمریکا، نفوذ بسیار در اندوختن شان در گرو افزایش تشنج بین المللی و تشدید خطر جنگ جهانی است، یک ضربه سنگین است.

حصول توافق کلی برای کاهش ۵۰٪ از ذخایر موشک های استرا تژیک تعرضی میان آمریکا و اتحاد شوروی نشانه ای با زهم میدبخش تر در تحقق برنا به پیشینهادی اتحاد شوروی است. ما خواهان آن هستیم که این قرار داد در آینده نزدیک به امضا برسد چنانچه از برداشتن گامهای بعدی را نمایان تر سازد.

در شرایطی که توافق اتحاد شوروی و آمریکا امکان همزیستی مسالمت آمیز و صلح مناسبات

در چنین شرایط حساسی، رژیم بریا کا رخمینی با راه انداختن جاسروجنجال به اصطلاح شیطانی از مسلمانان سرزمین فلسطین در صدد پرتابنده است تا با تشدید سیاست تفرقه افکنانه خود در قبال جنبش خلق فلسطین، به اهداف پلید توسعه طلبانه خود و با ادا مدهادن به جنگ ایران و عراق که خواست آمریکا و مطلوب صهیونیستهاست، در عمل به اجرا درآید. نقشه های آمریکا در منطقه و منطقه های خونین صهیونیستها علیه فلسطینیها و اعراب کمک کرده است. رژیم ولایت قهیه که در جنجال گذشته، به ساختن خریدهای کلان اسلحه از اسرائیل، به کسب ایمن دولت متجاوز پول فراوان ریخته و آن را در غارت ثروت مبین ماری بر ضد مردم فلسطینی شریک کرده است، با تشدید سیاست تفرقه جویانه و در پیش گرفتن جنگ روانی و ایدئولوژیک علیه نیروهای تفرقه خا فلسطین و با حیلها جوا نیرمدا نه به سبب سازمانهای انقلابی خلق فلسطین، آب به آسیاب صهیونیستی می ریزد. رژیم خیمینی در گذشته و حال، عملا کمک رسان اشغالگران خونخوار، و عملا علیه

پیش رفت، آمریکان را برای گام نهادن بدان عزم نمودن این فرصت زجهان ن در بیخ شد. و اینک سومین دیدار، در واشنگتن انجام شده است. مذاکراتی موفق که نشان داد دیدارهای ژنو و ریگان و یک نتیجه بیبوهه و عبث نبوده است. دیداری که گرباچوف آنرا "ورود به مرحله جدید بسیار مهمی، هم از نظر مناسبات شوروی و آمریکا و هم از دیدگاه اوضاع جهانی" ارزیابی کرده است.

این دستاورد قابل توجه و مهم است. به اصطلاح ابانکسارات مسئولانه و شجاعانه است. به ویژه است که اتحاد شوروی پیشگام آن بوده است. به ویژه طرح ۱۵ ژانویه ۱۹۸۶ میخائیل گرباچوف در سراسر خلق سلاح هسته ای و شیمیایی تا سال ۲۰۰۰، و ابتکار راه مشخصی و گام های شجاعانه پس از آن. این دستاورد، اساسا شمره مبارزه مسلحانه ی سوسیالیستی، طبقه کارگر کشورهای سرمایه داری و تلاش فرآیندها هم نیروهای دمکراتیک و صلح دوست در عرصه جهانی و نشانه پیروزی عقل سلیم بود.

بیدیکی است که این گام را محافل حاکم آمریکا با تا کیدگری و آگراه برداشته اند. آنها در یافتن اندک لجاجت در مسابقت تسلیحاتی، ناشنیده گذاشتن بانگ رسا و وچگیرنده نیروهای صلح دوست جهان و بی اعتنائی نسبت به پیشینهادی سازماندهی کشورهای سوسیالیستی روز بروز توجیه نا پذیر تر و غیر قابل دفاع تر می شود. آنها روی آوردی وسیع ترین آواچ انسانی به صفوف صلح و همزیستی مسالمت آمیز میان کشورهای رانمی توانند تا دیده نگارند.

مخالفان اینک بحران ساختاری نظام سرمایه داری و تضادهای درونی آن تا ثیرات معینی در این جهت به جای می گذارد. تضاد میان منافع ویژه مجتمع های فراملی نظامی - صنعتی و منافع اقتصادی عمومی سرمایه داری آمریکا تضادی است واقعی و جدی، بحران ساختاری نظام سرمایه داری که با نظامی کسودن اقتصاد دیویزه در آمریکا، روبه حدت نهادن و موجب افزایش قدرت مجتمع های نظامی - صنعتی ماسالی خواهد است. این روند نه تنها به تشدید فشار اقتصاد در علیه توده های وسیع مردم از یک طرف و رونق سرطانی بخش های نظامی - بوروکراتیک از طرف دیگر، منجر شده، بلکه بخش های گسترده ای از سرمایه داری انحصاری را نیز در موقعیت دشواری قرار داده است.

بینا مللی از طرق سیاسی را کابلها شمسات می رساند، رژیم چا کم بر ایران کوربینا نه حاضر نیست دست از این جنگ بی فرجا مبردا ردوبری حل اختلافات دو کشور، از راه مذاکره اقدام کند. اما ماه این جنگ بزرگترین جاعه برای هر دو کشور و خطری جدی برای صلح در منطقه و جهان است.

مساله جنگ ایران و عراق و اوضاع خلیج فارس نیز در دیدار اخیر رهبران اتحاد شوروی و آمریکا مورد توجه قرار گرفته است. هیات سیاسی کمیته مرکزی، در این رابطه بر ضرورت اتخاذ تدابیر جدی تر از جانب سازمان ملل متحد و شورای امنیت برای اجرای قطعنامه ۵۹۸، و بر ضرورت خروج فوری نیروهای خارجی از خلیج فارس تاکید می کند و مجددا از همه کشورهای می خواهد که تمام امکانات خود را در این راستا به کار گیرند.

بگذارد تلاش بیگیر همه نیروهای صلح دوست جهان در راه قطع رویارویی هسته ای، بشریت را بسوی جهانی امن تسوق دهد. بگذارد جنگ میان دو کشور همسایه ایران و عراق که بی درنگ قطع شود آرزوی خلق های این منطقه زجهان برای زیستن در صلح پایدار را با رورسازد.

هیات سیاسی کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ۲۳ ذرماه ۱۳۶۶ (۱۴ دسامبر ۱۹۸۷)

مبارزه و ارمان فلسطین بوده و همچنان نیز هست. کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) شما را به گسترش حمایت هر چه بیشتر از مبارزه ما دلانده خلق فلسطین به رهبری سازمان آزادیبخش فلسطین فرا می خواند. با افضای هر گونه تلاشهای تفرقه افکنانه رژیم صهیونیستی و دموکراتیک فلسطین، با سیاست های ارتجاعی و توسعه طلبانه آنرا ناکام بگذارد. با تشدید مبارزه علیه رژیم جنگ افروز صهیونیستی و برای قطع جنگ خا ما نسوزدها تا لکه به خواست نوری همه خلقهای منطقه بدل شده است، توطنه های آمریکاسا و صهیونیست های اسرائیلی را نقش بر آب کنید پیروزی از آن خلق قهرمان فلسطین است.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

۱۳۶۶/۱۰/۱

اقتصاد آمریکا اکنون دچار یک کسربودجه عظیم و بی سابقه است. به گفته ها ل دبیر کل حزب کمونیست آمریکا: ۴۰۰ میلیارد دلار کسری موازنه بازرگانی و ۲۵۰۰ میلیارد دلار کسری دولتی، به مبار غیر قابل تحمل برای اقتصاد آمریکا بدل شده است. طوفان نهمسالی که بورس را به لرزه در میآورد، بیام آورلرزش های آتی هستند. زیرا همان عوامل اقتصادیکه سقوط سهام را موجب شدند، اقتصاد سرمایه داری جهانی را به سوی بحران ادواری تازه ای سوق می دهند. اینها نیز از رسیدن بحران عمومی سرمایه داری خیر میدهند.

گسترش روند نظامی کردن اقتصاد، بحران عمومی را تشدید می کند. آمریکا لیسما آمریکا تا کید از مزارین روند است و این خود مستلزم پیروسیال بیشتر شدن بدانها است. نظامی - صنعتی است که تکیه ها به ای ممالی گرایش های ماورا راست و فاشیستی اند. استعفا و این بر گروزی در دفاع پیشین آمریکا که یکی از معروفترین "بازها" و از جمله سرخترین مخالفان انعقاد قرار داد واشنگتن بود، نیز مویدان امر است. اونمی توانست با این قرار داد که ضربه ای بر پیکر مسابقت تسلیحاتی بود، موافق باشد؛ لذا ناگزیرا استعفا شد.

انعقاد قرار داد واشنگتن راهمجنین از این زاویه نیز با بدورد توجه قرار داد که در شرایط کسری ترا زنده ختیا، سرمایه داران آمریکا و وسیع در جستجوی باز رندوسیاری از آنها علاقمند بیسه ایجا دشواریهای مختلط با موسسات اتحاد شوروی اند. از طرفی، اتحاد شوروی کشور بیست بزرگ که ظرفیت خرید مسالیه نه اش از باز ارجحانی به ۱۷۰ میلیارد دلار می رسد سرمایه داران آمریکایی نمی توانند در این شرایط، این رقم را نادیده بگیرند. یکی از مسئولین روابط بازرگانی بین المللی آمریکا از این رابطه، در آستانه دیدار سران آمریکا و شوروی، اظهار داشت: "ما نتوانیم زجهان را به سوی سرمایه داری بگردانیم".

قدر مسلم آنکه در شرایط کنونی یعنی در دوران انقلابات علمی و فنی و عصر هسته ای، این منطقه "جنگ اده مسابقت با وسیله های دیگراست" باید از نظر تا ثیر متقابل جنگ در سیاست مورد تجدید نظر قرار گیرد.

بقیه در صفحه ۱۱

بیمه بیکاری و سازماندهی کارگران بیکار

لایحه بیمه بیکاری مصوب کمیسیون کار و امور اداری و استخدامی مجلس را در "کار" شماره ۲۷ مورد بررسی و نقد قرار دادیم. دلایل ارتجاعی بودن آن را مشروحا بر شمرده ایم و گفتیم که این لایحه به نوبه خود مجوزی است برای اخراج "قانونی" کارگران که با پرداخت غرامتی ناچیز به صورت اقساط ماهانه همراستا است.

این لایحه پس از تصویب مجلس و تأیید شورای نگهبان، به مراتب ارتجاعی تر شده و پیش از این اصلاحاتی که مجلس شورای نگهبان در آن وارد کرده اند، می توان به مدت زمان پرداخت مقرری و تأریخ اجرای آن اشاره کرد. در طرح لایحه مدت زمان پرداخت مقرری ما را نه برای بیکاران و "واجد شرایط" معادل حداقل حقوق، به مدت سه سال در نظر گرفته شده بود (برای یک کارگر اخراجی مجرد در طول سه سال، مجموعا حدود ۸۰ هزار تومان و برای کارگر متأهل حداکثر ۱۴۰ هزار تومان). اما مجلس و شورای نگهبان این سه سال را برای مجرد به یک سال و برای متأهلین به مدت دوسال کاهش داد. یعنی برای کارگر مجرد اخراجی با همسر و فرزندان که در مجموع ۲۷ هزار تومان پرداخت خواهد شد، بعد از یک سال این کارگر باید ماهی یکم سیرده می شود.

تاریخ اجرای این قانون که در طرح لایحه از سال ۶۳ اعلام شده بود، به تاریخ ۶ مرداد ۶۶ موکول گردید. به این ترتیب بخش وسیعی از کارگران اخراجی - یعنی کارگران اخراجی سالهای اخیر - زود بزره شمول این قانون خراج شدنتان مجلس شورای نگهبان، جاگرمندی خود را نسبت به بیمه بیکاری نشان داد. بیس از پیش به شما پیش گذارند. تا مین حق بیمه بیکاری را با شرایط مناسب تا زمان بازگشت به کار، خواست برحق همه بیکاران است. کارگران خواستار چنان قانون بیمه بیکاری هستند که نه دهم و نه دهم بیکاری، بلکه مطمئن تا مین شغال باشد، شما کارگران بیکار را تحت پوشش بگیرد، مینا مقرری ما را نه مراتب با هزینه بیمه بیکاری، بلکه ورتخص و تعداد دفعات تحت تکفل تعیین کند و مدت پرداخت آن را نیز تا ارجاع کار مناسب با تخصص بیکار، از لایحه می کند، شما هزینه بیمه بیکاری را بعهده کارفرمایان خصوصی و دولتی

مناسبت روز ورزش

بیدان اصلی، میدان مبارزه با رژیم است

ورزش ایران در چنگال بحران عمیق و گسترده و زبده روز بیشتر از زنی می افتد. نشانه های بحران در یرون فدراسیون فوتبال، بی برنامگی آشکار و شکست ستیا و برنامهای رژیم، چا بجای و تهمیض بی دربی مسئولین، تشدید اندامی و فساد و توسل به اقدامات خددمگرا تیک گسترده است. این امر اعتراض و مبارزه ورزشکاران علیه تربیت بدنی و رژیم را گسترش داده است.

سیاستهای ارتجاعی رژیم، ورزش ایران را به شوط کشانده است. کارچنان خراب است که همه روزنامه های سانورزده نیز زبان به اعتراض شده اند. چندی پیش محله کیهان ورزشی در وصف شتی ایران نوشت: "امروز روز انزوی کشتی است. با پوتی برای روزمرکس ساخته نشده. چلوچان، ایبا شیدما حملش نکنیم" چنین است صف حال کشتی ایران، از قول مجله وابسته رژیم. وقتی برای روزمیران "کشتی" - یعنی پربختترین ریشه دارترین رشته ورزشی در کشور ما - تا بویوت اخته اند، می توان وضعیت سایر رشته های ورزشی را بهتر دریافت.

کوش رژیم در جهت محدود کردن هر چه بیشتر امانه فعلیاتی ورزشی و حاکم کردن سیستمی سربا ددموگراتیک و مکتبی بردستگاه ورزش علل اساسی هران ورزش و احتضاران است. رژیم زنتظرسر بدولت و یک وظایف دستورات استلای دشمنان ریزش - بجز چند رشته ای که می توانند در خدمت جنگ را رگیرند - می باشد. منتظری، دشمنی اعتقادی رژیم با ورزش را در دیدار ریاست مسئولین ورزشی کشور نین بیان داشت: "با اینکه بر دوخت در اسلام رام است ولی اسب سواری و تیراندازی که مربوط با ورزش می می شود مستحب هم هست. رژیم که با ورزش و جویبه های مرگ و مبرخرفانات و عزلت شینی جوانان در چرخا ردیواری ما کن مذهبی است، زاستقبال روزافزون جوانان از ورزش و محیسط زشوروشوق روزا دین مینا کینه دار و دوان را مانعی را راکشانند جوانان به مراسم خرافی و ارتجاعی کشانند آنرا به جبهه های جنگ می دانند. گسترش وحیه اعتراضی در مینا جوانان و تشدید محیط های رزی به مینا دینا اعتراض علیه جنگ و رژیم - مستم رتجاعی، از عوامل عمده تلاش رژیم برای محدود

بگذارند و نقش اصلی تشکیل دهنده آن را در اداره صندوق بیمه بیکاری به رسمیت بشناسد. ضوابط فوق الذکر، روش سیاست سازمان را در زمینه حق بیمه بیکاری تشکیل می دهد. تنها تنظیم قانون بیمه بیکاری با چنین ضوابطی می توانند با سنگسری نیاز کارگران باشد. مسلما رژیم جمهوری اسلامی و هیچ دولت سرمایه داری به آسانی به این ضوابط تن نمی دهند. کارگران، تنها با مبارزه متشکل خود، سرمایه داران و دولت حامی آنها را مجبور به قبول این ضوابط می نمایند. یکی از ارهم های اصلی و مستقیم فشار بر سرمایه داران و دولت آنهاست، سازماندهی کارگران اخراج شده و بیکار راست.

اکنون با گسترش دامنه اخراج ها و تشدید معضل بیکاری، سازماندهی کارگران بیکار شده به مساله های مبرم بدل شده است. این امر، اگرچه با مشکلات بسیار روبروست، اما مگانات اولیسه برای حرکت در این جهت نیز وجود دارد. با توجه به تجارب ارزشمند کارگران بیکار در سالهای ۵۷ و ۵۸ و با در نظر گرفتن چشم انداز بحران بیکاری، می توان در جهت سازماندهی هشته ها و کانون های تدارک جنبش بیکاران گام برداشت. در شرایط کنونی، موثرترین حرکت در مبارزه برای تا مین بیکار رچی حرکت کارگران بیکار شده، و نیز تا مین هما هنگی آن با مبارزات کارگران شاغل، با راست زانفنا قانون بیمه بیکاری رژیم و مبارزه برای تا مین حق بیمه بیکاری با ضوابط مترقی، و نخستین حله در سازماندهی کارگران بیکار عبارت است از ایجاد هشته مخفی برای سازماندهی کارگران بیکار شمول قانون بیمه بیکاری.

هر چند در شرایط کنونی سخن گفتن از جنبش بیکاران زود است، اما پیشبرد مبارزه حول بیمه کارگران بیکار مشمول قانون بیمه بیکاری و کار در محله ها و با توجع های کارگران بیکار، امکان می دهد که اعتراضات پراکنده کارگران اخراجی و بیکار در این جهت مست یابد. فعالین سازماندهی و پیشروان کارگری ما باید در این عرصه نیز پیشقدم باشند.

بیکاری و تا مین کار، مستلزم تحکیم رابطه میسبان پیشروان و کمیونیت با توده کارگران اخراجی و بیکار و نیز حفظ و تحکیم پیوند مینا با کارگران شاغل و کارگران اخراجی و بیکار راست. در غیر این صورت مبارزه کارگران بیکار به خودی خود به نتیجه نخواهد رسید.

همچنین باید توجه داشت که ایجاد این هشته ها برای سازماندهی مبارزه کارگران بیکار رطبع

با بدبا حضور شرکت فعال پیشروان کارگری در محافل و کانون های علمی و زردوا ستفاده از همه امکانات "قانونی" و علمی برای بسیج و سازماندهی کارگران بیکار، نشوا مکرر در عین حال با بدبا بیای گسترش این مبارزه، افراد با نفوذ و نیز محافل کارگران بیکار را در جهت ایجاد کانون های علمی بیکاران تشویق کرد.

پیشروان کارگری با حضور فعالیت سازمانگرا نه در مینا توده کارگران اخراجی و بیکار با بدببوند آنها را با مجموعه جنبش کارگری و کمیونیتی تا مین و تحکیم کنند و با سازماندهی مبارزه آنها (در پیوند با مبارزات کارگران شاغل و مبارزات مردم اروند سازماندهی بیکاران را تسریع کنند. فعالین و پیشروان کارگری با بدبا زهرتشکل علمی موجود به مثابه تربیونی برای طرح مساله اشتغال و جلب حمایت توده کارگران شاغل از کارگران اخراجی و بیکار استفاده کنند. با بدبا ز طریق اعلامیه، تراکتو بطور کلی با تبلیغ و ترویج و کارآگاهانه خود، ضمن توضیح علل بحران اخراج و بیکاری در رژیم جمهوری اسلامی، کارگران اخراجی و بیکار را از مضمون حق بیمه بیکاری، جزئیات قانون کنونی، بیمه و چگونگی مقابله با آن آگاه کنند.

سازماندهندگان مبارزه کارگران بیکار با بدبا ز همه امکانات اعتراضی جمعی و علمی چون تجمع بیکاران در برابر ادارات کار و مجلس و غیره، و تنظیم خواسته های کارگران (در چارچوب ضوابط مترقی بیمه بیکاری) و ارائه آن به مراکز مراجع ذی ربط (از قبیل ادارات کار) و با تنظیم پوما رسا خواسته های معین، استفاده کنند و در عین حال نباید یک لحظه نیز دور مینا این مبارزه که در پیوند با مبارزه تمامی طبقه کارگرترسیم می شود، را از دست بدهند.

اگر بخوایم سازماندهی مبارزه مبارزه صدها هزار کارگر بیکار را بشیم، اگر بخوایم هر وندتشکل کیسری جنبش بیکاران را تسریع کرده و آن را رهبری نمائیم، باید همین امروز که هنوز جنبش جنبشی شکل نگرفته، بذرا مین سازماندهی را بیافشاییم. اقدام اول، سازماندهی کارگران بیکار شده ای است که مشمول قانون بیمه بیکاری می شوند. این عملی ترین و در عین حال موثرترین حلقه مبارزه سازماندهی بقیه بیکاران است. برداشتن موفقیت آمیز این گام در کشور مبارزه مبارزه مبارزه علیه ضوابط ارتجاعی این قانون و تلاش بیکاران به برای تحقق حق بیمه بیکاری با موازین مترقی و دموگراتیک است.

راه مفروزشکاران به خراج از کشور و شرکت در مسابقات بین المللی برداشته شود. خواست همه مبارزکاران، در مینا و دست اندرکاران از امور ورزشی حرکت فعالان در حیات ورزشی کشور است. نمایندگان واقعی ورزشکاران و مینا با بدبا ز طریق ایجاد شوراهای واقعی و تصمیم گیری با بدبا ز بیرون فعالان مبارزکت کنند، روسای فدراسیونهای را برگزینند، برای فعالیت با لانه آنها برنامه ریزی کنند. سفرهای خارجی تیمها و مسابقات دانشجویی را سازماندهی کنند. ورزشکاران باید در جهت تشکیل شوراهای واقعی و همه سطوح تربیت بدنی و انتخاب نمایندگان خود، بدون دخل و نظر رژیم مبارزه کنند.

رژیم برای جلوگیری از گسترش دامنه مبارزات ورزشکاران هر کوم می کند. ورزشکاران پیشرو آنرا با بدبا استفاده از امکانات، در جهت ایجاد تشکلهای علمی و مخفی در محیط های ورزشی و در مینا مبارزکاران ورزشکاران تلاش کنند. بدون تشکل و سازمان لازم، هیچ مبارزه ای موفقیت آمیز نخواهد بود. به مساوات مبارزه در جهت ایجاد تشکلهای علمی و قانونی، نظیر شوراهای ورزشی و استفاده از تیمها و با تشکلها و تشکلهای موجود، با بدبا ز مین بهترین و پربختترین ورزشکارانی که حاضرند در راه خواسته های توده ورزشکاران علیه رژیم و بیای جنبه های انزیا ستیهای ارتجاعی آن به مبارزه برخیزند، تشکیل می دهد. کوچکی را سازماندهی، افراد با نظریات سیاسی عقاید متفاوت می توانند در این تشکل کوچک مخفی شرکت کنند. حتما لازم نیست که همه این مبارزان بیرو یک عقیده باشند. از طریق این تشکل ها باید مبارزات علمی توده ورزشکاران و حرکات پراکنده آنرا را متحد ساخت و تحت شعارهای بسیج گسترش داد.

افشای سیاستهای ارتجاعی رژیم و نشان دادن ریشه ها و دلایل واقعی آن، رساندن خواسته های ورزشکاران به گوش مردم و انعکاس آنها در رسانه های گروهی، مبارزه علیه اختناق و تضییقات پلیسی در محیط های ورزشی و علیه ورزشکاران، حمایت از خواسته ها و مبارزات توده مردم از طریق تا کنیکت از مناسب، در هنگام مسابقات، دادن اعلامیه، تلاش در جهت زندگی و هما هنگی با تشکلهای کارگری و توده ای، بخشی از وظایف ورزشکاران در مینا برست و فدر رژیم است. فدائیان خلق با همه توان از خواسته های عادلانه ورزشکاران و مبارزات آنسان حمایت کرده و بیرو و مینا تا خود را در جهت تقویت و گسترش این مبارزات به کار می گیرند.

کردن بیشتر فعالیتها و ورزشی است.

دردون فدراسیونها، محیط خددموگراتیک و اختناق شکنجی حاکم است. دستگاههای اطلاعاتی و سرکوب رژیم مستقیما کنترل ورزشکاران را بر عهده دارند. در جریان سفروزشکاران تیم ملی کشتی به دهلی در ماههای گذشته، جودنش از ملی پوشان تنها چند روز قبل از سفر، به دستور مستقیم مقامات امنیتی رژیم، ممنوع الخروج شدند. ورزشکاران به هنگام سفر به خراج از کشور، تحت شدیدترین کنترلهای امنیتی قرار دارند. ورزشکاران و پیشکوتان جا مع ورزشی، یعنی کسانی که عمر خود را وقف اعلا و ورزش ایران کرده اند، از کمترین حقوقی در دستگاه ورزشی کشور محروم و مندو هیچگونه حق دخلت در امور ورزشی به آنها داده نمی شود. طی سالهای اخیر، محیط های ورزشی یکی از فقالتترین عرصه های مبارزه جوانان علیه رژیم به شما رسیده است. سازماندهی این اعتراضات و راهکارهای لیزه کردن آن، وظیفه مهم ورزشکاران و جوانان مترقی است. با بدبا ز این مبارزات و اعتراضات پراکنده را حول شعارهای واحدی متحد کرد، این مبارزات از یک سوی بدر خدمت دموگراتیک تیزه کردن محیط ورزش و سوی دیگر در جهت پیوند مبارزات عمومی توده مردم قرار گیرد.

مبارزه ورزشکاران در جهت تحقق خواسته هایشان تنها زمانی می تواند موفقیت آمیز باشد که مبارزات عمومی توده مردم پیوند بخورد و به جزئی از آن بدل شود. شرکت فعالان در مبارزه کارگران بیکار و آزاد دیورنگونی رژیم جمهوری اسلامی، به نوبه خود موجب تقویت مبارزه مردم ایران علیه رژیم می شود. تجربه چند سال گذشته نشان داده است که هر حرکت اعتراضی کارگران، به سرعت در سطح جامعه با تبا می یابد و حمایت توده جوانان را جلب می کند. مبارزه ورزشکاران نباید تنها در خدمت خواسته های منفی خود محدود بماند. شرکت فعالان در مبارزه علیه جنگ، دفاع از زندانیان سیاسی، اعتراض علیه سترو سرکوب کارگران و توده های مردم و وظیفه مقدس و شرفمندانه همه ورزشکاران است. مبارزه در راه دموگراتیک کردن دستگاه ورزش، توده ورزشکاران و ورزش دوستان را به مبارزه انقلابی علیه رژیم جلب می کند. با بدبا ز مساله مرتجع اخوندها از ورزش کشور کوتاه شود و سزدوران رژیم از مسئولیت های سازمان تربیت بدنی کشور کناره رزگاشته شوند. ضوابط ارتجاعی و مکتبی حاکم بر ورزش لشفوعا لیتها ی ورزشی "ممنوعه" نظیر شطرنج آزاد شود، موانع ارتجاعی و امنیتی از سر

### اساسنامه :

## ضامن نبرد هدفمند و متشکل ما

طرح اساسنامه سازمان موصوب پلنوم مهرماه ۱۳۶۶ کمیته مرکزی اکنسون در معرض اظهار نظر و بررسی همه اعضا و هواداران سازمان قرار گرفته است . اساسنامه یکی از دستاوردهای مهم است که موجودیت و وحدت سازمان بر اساس آن شکل می گیرد و تدوین و مسمی باید . خودابین حقیقت با زکوت کننده اهمیت اساسی مقام و منزلت اساسنامه و سیاست نگارنش است که در شرح مسمت ایدئولوژییک و طبقاتی سازمان ایفا می کند . روشن است که در اینجا سخن از عالی ترین و سازمان طبقاتی پرولتاریا ، یعنی سازمان سیاسی طبقه کارگر است . سازمان سیاسی طبقه کارگر ، بخشی پیشرو و پیشا طبقه ، رهبر و سازمانگر بیگانه طبقه کارگر برای تحقق آماج های دور و نزدیک آن می باشد .

طبقه کارگر برای رهائی از زنجیر سرمایه داری و برای آزادی از زندگی سوسال نیستی نه تنها به وحدت ایدئولوژییک بلکه به وحدت سازمانی نیز نیازمند است . طبقه کارگر که با دشمن سازمان یافته و بی پرواست ، بدون حزب سازمان رنده و که انضباط آگاهانه نبر آن حاکم است و وحدت اندیشه و عمل در آن تا مین شده است و همچون واحدی کارگزار و یک فعالیت می کند ، نمی تواند به پیروزی دست یابد . و پیروزی های خود را شکوفان سازد . اساسنامه مناد آن اندیشه است که میگوید : "جا رهبر و نخبگان وحدت و تشکیلات است" و متوجه دوام ، قوام و بقاء پیکار هدفمند و متشکل ما است .

اساسنامه بر پایه دو اصل اسلوب شناخته زبردت وین می شود : اولاً ، اساسنامه بر مبنای عامی استوار است که اصول کلی ساختمان حزب پرولتاریا نامیده می شود . این اصول توسط مارکس ، انگلس و لنین تدوین شده و با تجربه احزاب ناکر و کمونیستی جهان غنا یافته است . تئوری ساختمان حزب کمونیستی از کهنه تئوریک جهان سینی مارکسیستی-لنینیستی را تشکیل می دهد .

ثانیاً ، اساسنامه سازمان حزب مارکسیست-لنینیست و انترناسیونالیست ، انطباق اصول ساختمان حزب پرولتاریا بر شرایط مشخص جامعه و مرحله تکامل آن سازمان است .

به این ترتیب اساسنامه دربرگیرنده مبنای سازمانی است که از مبنای ایدئولوژییک حزب پرولتاریا پیروی می کند و به آن انگادارد . میان مبنای اساسنامه و مبنای ایدئولوژییک رابطه دیالکتیکی گسستنا پذیر برقرار است . ایدئولوژییک طبقه کارگر - مارکسیسم-لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتاریا - یک جهان سینی یکپارچه و منسجم است . شیوه فعالیت و زندگی پرولتاریا - به گونه ای است که "کارگران منفردهیج و کارگران متحده می یزند" ایمن مختصات هستی مادی و معنوی طبقه کارگر در حیات حزبی انعکاس می یابد و موجب آن چنان نظمی در حزب است که همه جای آن را در پیوند و وحدت - مدت دیالکتیکی با یکدیگر قرار می دهد و خرد سازمان یافته جمع را که در هر واحد حزبی دارای اکثریت اعلا آن تجلی پیدا می کند ، بر مقدرات خود حاکم می گرداند . نکته عالی ترین ارگان رهبری کننده حزب است ، در عین حال عالی ترین تحلیلی که هر دمج و جمع حزب می باشد ، این نظم پرولتاریا - نسبی سازمان - است .

در نقطه مقابل شیوه فعالیت و زندگی پرولتاریا ، شیوه فعالیت و زندگی خرده بورژوازی و بورژوازی قرار دارد که بر ماسک کجیت خصوصی و بورژوازی متکی است و از این رودر حیات حزبی حاصل گرایشات انفرادی منشانه و فرگسبونیستی و خودمختاریت واحدهای حزبی است . در احزاب بورژوازی و خرده بورژوازی منافع افراد و جناح ها سرنویت حزب را رقم میزند و در بین طوا هر ، نظم متکی بر سر فرماندهی فردی و جناحی حاکم است .

پیوند مبنای ایدئولوژییک با مبنای سازمانی سازمان سیاسی طبقه کارگر ، پیوندی بیانی است . به این معنی که وحدت ایدئولوژییک نه تنها وحدت سازمانی را تحکیم می بخشد ، بلکه وحدت سازمانی نیز متقابلاً بروحدت ایدئولوژییک اثر می گذارد . زمانیکه وحدت ایدئولوژییک در حزب تضعیف شود دست ها و جناح ها و فعالیت های فرا کمونیستی شکل بگیرد ، وحدت سازمانی به مخاطره می افتد . عکس این نیز صادق است . انفرادی منشانه ، دست بندی و فعالیت های فرا کمونیستی موجب تضعیف وحدت ایدئولوژییک حزب را قرار می دهد . این تهاجم گرایشات مها رنوشند ، نظیر تبدیل حزب به اجتماع بسی کللی از حاکم گرایشات ایدئولوژییک متفاوت ، تشدید می شود . در چنین صورتی "پلورالیسم سیاسی" و آزاد مختاریت واحدها تیار می یابد ، حزب وحدت اراده و عمل خود را از دست می دهد و از سازمانگری نبردهوده ها و وسیع و متشکل آنها در جهت ایجاد درگونیستی انقلابی جامعه و اعمال اراده و انجام وظایف خود باز می ماند .

جامعه عرصه گسترده فعالیت حزب است . حزب که از طبقه کارگر الهام می گیرد در راه درگونیستی انقلابی جامعه منظور دستیابی به سوسیالیسم می ریزد ، در عین حال در معرض تاثیر پذیری از طبقات غیر پرولتاریا جامعه هم قرار دارد . محیط طبقاتی ، ایدئولوژییک و سیاسی فعالیت حزب ، ارگان نیسم حزبی را - که یک ارگان نیسم زنده است - منشأ اثر می سازد و موجب ظهور انحرافات پرولتاریستی در صفوف حزب است .

تاثیرات ناشی از انهمگونی طبقه کارگر و این واقعیت که طبقه کارگر با دیوار غیر قابل نفوذی از طبقات غیر پرولتاریا جدا نشده و در معرض تاثیر پذیری ایدئولوژییک و سیاسی بورژوازی و اقشار خرده بورژوازی جامعه قرار دارد ، از سرچشمه های دیگر بروز اختلاف نظر در صفوف حزب است . دست دیگر تاثیرات ناشی از جنبه های معرفتی و شناختی است . نسبی بودن حقیقت و بیفرنجی و واقعیت همگی از عمده ترین سرچشمه های بروز اختلاف است .

این رشته عوامل وحدت ایدئولوژییک و وحدت سازمانی حزب را تحت تاثیر قرار می دهند .

ملاحظات فوق موبدا بین نکته است که میان وحدت ایدئولوژییک و وحدت سازمانی رابطه دیالکتیکی ، بیفرنجی و تضاد آمیز برقرار است . پیوند مبنای مبنای ایدئولوژییک و مبنای سازمانی هیچگاه به معنی آن نیست که زندگی درون حزبی خالی از اختلاف و تضاد باشد . در یک حزب زنده بورژوازی اختلاف نظر و تضاد آراء همیشه محتمل است .

پیوند میان مبنای ایدئولوژییک و مبنای سازمانی به این معنی است که رعایت اصول اساسنامه ، دمکراتیک ، انضباط و موازین لنینیستی زندگی حزبی ، راه حل اختلافات را هموار می کند و به حزب امکان می دهد که وحدت ایدئولوژییک خود را استحکام ببخشد .

هم تئوری و هم تجربه احزاب کارگری و کمونیستی جهان تا کید می کنند که هرگونه چشم پوشی از اصول اساسنامه ، دمکراتیک ، راه آسیب پذیری مبنای ایدئولوژییک حزب را می کشد و به انحراف حزب از مارکسیسم-لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتاریا می انجامد .

چنانچه در برابر انحرافات از مواضع مارکسیستی-لنینیستی و انترناسیونالیستی هم ، مواضع سازگارانه و مصالحجویانه انتخاب گردد ، نگاه چنین انحراف فسی ،

اصول اساسنامه - دمکراتیک و موازین لنینیستی زندگی حزبی را نیز می توان به عنوان اروپا به مثال ساخته و پدید آورنده آن را در معرض نقی و نگاه قرار دهد . حزب علیه ایدئولوژی بورژوازی و خرده بورژوازی قاطعانه و بیگانه مبارزه می کند و مبارزه بیانی ما با اپورتونیسم راست و "چپ" و هرگونه مظاهر آنرا ، از هر وظایف خویش می باشد .

حزب با سازمانگرکی مباحثه خلاق به نحوی که هر یک از اعضا بتوانند مستقل خود را از دستبرد و موجدیت مباحثه دست بندی قرار هم نگردد و به وحدت سازمان لطمه وارد دنیا بدویا صلاح انتقاد دوا انتقاد زخده ، علیه نفوذ ایدئولوژی بورژوازی و خرده بورژوازی در صفوف حزب مبارزه می کند . و از پاکیزگی ایدئولوژییک و استقامت سازمانی حزب ، آزما رکسیسم-لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتاریا ، از زود ایدئولوژییک و وحدت سازمانی خود حراست می نماید .

اساسنامه مقان زندگی درون حزبی است و بر نظمی دلالت دارد که همه اجزای آن را در پیوند و وحدت با یکدیگر قرار داده و اراده و خرد سازمان یافته جمع را بر مقدرات سازمان حاکم می گرداند . این نظم که یک نظم پرولتاریا است ، همگانه که پیشتر خا طرنشان شد ، اساسنامه - دمکراتیک نام دارد .

اساسنامه - دمکراتیک دووجه ساختاری حزب است و همواره با تلفیق معینی از هر دو جنبه آن موجودیت می یابد . هرگونه برداشت یک سو یا اساسنامه - دمکراتیک استیم و یا تنظیم را بطه مکانیکی میان این دو وجه به سازم آسیب می رساند و منجر به برداشت اصولی اساسنامه - دمکراتیک می باشد . هرگامی که سازمان در راه تجهیز عمیق تر خود به مارکسیسم-لنینیسم انترناسیونالیسم پرولتاریا به پیش بر می آید ، هر میزان که پیوند سازمان با طبقه کارگر استحکام بیشتری پیدا می کند و با لایحه هر انداز که ترکیب اجتماع سازمان ، بیشتر به سود کارگران و زحمتکشان متحول می گردد ، تا لایحه استوارت برای استقرار همه جانبه تر اساسنامه - دمکراتیک فراهم می آید . در اینجا ست سرشت تاریخی و طبقاتی مفهوم اساسنامه - دمکراتیک - طرح اساسنامه موصوب پلنوم کمیته مرکزی ، در فصل پنجم ، تعریف نشد .

زیرا اساسنامه - دمکراتیک به دست داده است : " اساسنامه - دمکراتیک رهبری متمرکز بر پایه دمکراسی درون سازمانی و دمکراسی درون سازمان تحت رهبری متمرکز است " .

ماده ۲۳ در همین فصل اصول اساسنامه - دمکراتیک را به قرار زیر شمس است :

الف - انتخاباتی بودن همه ارگانهای رهبری سازمان از پائین تا بالا رای مخفی و مستقیم .

ب - گزارش دیهم منظم واحدهای سازمانی به ارگانهای بالاتر و ارگانهای رهبری به واحدهای سازمانی پائین تر .

ج - رعایت اکید انضباط سازمانی و تبعیت اقلیت از اکثریت .

د - حتمی اجرای بیون تصمیمات و دستورات ارگانهای بالاتر .

ارگانهای پائین تر .

ه - کار بست اصل رهبری جمعی در تمام ارگانهای سازمانی و مسئولیت فردی هر عضو در انجام وظایف .

در ماده ۲۴ همین فصل در توضیح ابعاد اهمیت رهبری جمعی در سازمان آمده است : " رهبری جمعی عالی ترین اصل رهبری حزبی است . اصل رهبری جمعی شرط ضروری برای فعالیت طبیعی ارگانهای سازمانی ، تربیت صحیح کار درها ، ارتقاء فعالیت و ابتکار کمونیست ها و ضمانت مطمئنی در برابر تصمیمات اراده گرایانه و ذهنی گرایانه ، پیدایش کیش شخصیت و نقض موازین لنینیستی زندگی حزبی است .

رهبری جمعی تا نظیر مسئولیت فردی در وظایف محوله ، کنترل دائم فعالیت هر کارگزار ، ارگانهای سازمانی و هر یک از اعضا است . این اصل می باشد در تمام وجود کارگزار سازمانی به کار گرفته نشود .

ما متناظریا تکامل ایدئولوژییک خود ، کارگزاران تکامل ساختاری سازمان .

ما در این با پیروزی انقلاب مردم ایران در بهمن ۵۷ ، سازمان با گام های بلند از ساختار چرکی فاصله گرفت و نظم سازمانی مبتنی بر خا نه های شیمی را به تمامی ترک گفت .

از سال ۵۸ به بعد و بویژه طی سالهای ۵۹ تا ۶۱ ، حوزه ها و کمیته ها سازمانی مطابق نمونه حزبی تجدید سازمانی دستخورد و فعالیت روزمره آنها بر پایه تمام مویی استوار شد که در اجلاس های ارگانیستی کمیته های رهبری بر پایه اصل رهبری جمعی اتخاذ می شدند .

اساسنامه موقت موصوب در سال ۶۰ کمیته مرکزی که برای نخستین ب در عمر ده سال سازمان قانویت حزبی را در صفوف فدائیان خلق استحکام بخش و حیات درون سازمانی را بر پایه اساسنامه - دمکراتیک بی ریزی گستر دستاورد و بر این روش موصوب میگرد .

تجربه مستقیم سازمان نیز تا کید می کند که ارتباط گسستنا پذیری مبنای ایدئولوژییک و مبنای سازمانی وجود دارد . همین تجربه حاکی است سطح تکامل ساختاری ، رعایت موازین لنینیستی زندگی حزبی و کار بست اساسنامه - دمکراتیک در سازمان بطور مستقیم در راستای تحکیم پیوند مبینان تئوری و پرا تیک و آگاهی رهبری از نیازهای توده مردم تا می کند ، همگانه که سطح تزل ساختاری و عدم استحکام اساسنامه - دمکراتیک باعث می شود که رابطه رهبری سازمان با توده ها و پرا تیک اجتماعی دست شده راه برای بروز انواع انحرافات اراده گرایانه و ذهنی گرایانه هموار گردد . تجربه می آموزد که زیربانی اساسنامه - دمکراتیک ، تنزی و تنها به ضعف سازمان ، پرا کندگی و اشفاق و در صفوف آن و بهانه توان آن انجام وظایف انقلابی منجر می شود .

تجربه ما نیز تا کید می کند که فخلت دینا میک پیوند میان مبنای ایدئولوژییک و مبنای سازمانی از جمله به این شکل تیار پیدا می کند - تحکیم وحدت سازمانی - که تصویب و اجرای آن طی اساسنامه موصوب پلنوم مهرماه ۱۳۶۶ متوجه آن است - به امر تحکیم وحدت ایدئولوژییک در صفوف سازمان مستقیماً مسا عدت می رساند .

طرح اساسنامه سازمان به اتفاق آراء در پلنوم مهرماه ۶۶ کمیته مرکزی تصویب رسید . کمیته مرکزی خواستار شرکت فعال و موثر اعضا و هواداران سازمان در روند تدقیق طرح موصوب خود است که در نخستین گنگره سازمان به تصویب نهائی خواهد رسید . طرح جدید اساسنامه محصول با زبینی نقادانه اساسنامه قبلی سازمان است ، اساسنامه موصوب در بر توار بین شناخت کمبار سازمان راه رنگونگی جمهوری اسلامی و در این مرحله از انقلاب فدا میری نیست - دمکراتیک مردم ایران متوجه ایجاد درگونیستی های دمکراتیک و انقلابی راستای سوسیالیسم در جامعه است ، طرا می شد .

قابل توجه است که تکوین جامعه بر نه اساسنامه موصوب در این بیان ماده ، مضمون و بیان مشخص تری پیدا کند ، بر پایه ارزیابی بقیه در صفحه



پس از گذشت نهمین قرن از بنای "کمیته مشترک" توسط ما زبیا ، این مرکز گنجه و جنایت ، با زهم قتلگه که مونیست ها و انقلابیون ایران است ، آرا می کونیست بزرگ میهن ما ، حدود نهمین قرن پیش در همین جا جان باخت ، وجب به وجب "کمیته مشترک" از خون کونیست ها و سایر انقلابیون ایران رنگین است . کمیته مشترک مرکز اصلی شکنجه و بازجویی انقلابیون میهن ما است .

### کمیته مشترک و بیدادگاه اوین

یک سه و پنج احداث گشته ، انجام می‌گیرد . در طبقه همکف این ساختمان قسمت نگهبانی و کابین های تعویض لباس و ... قرار دارد . طبقه دوم به بخش بازجویی از مجاهدین و سایر نیروهای مذهبی - ایزدپرستان اختصاص یافته و طبقه سوم بخش بازجویی کونیست ها است . طبقه چهارم محل شور و مشورت شکنجه گران و بررسی و مطابقت پرونده ها است . طبقه پنجم دو سوم ، هر یک دارای دو اتاق بزرگ و سه اتاق کوچکترند که در آنجا فقط تعدادی زندانی دستبند و زنجیردار در بخت اغلب زندانی ها دیواری از فیبر کئیدها نداشتند ، اما در این بخش پوشاندن سیاهی جلادان ، در یکی از اتاقها عدد قل دودست - تلفن ضبط صوت قرار دارد ، شما می‌تلفنی اسرا بایرون باز این اتاق انجام می‌گیرد . کلیه مکالمات ضبط می‌شود و در عین حال بوسیله گوشی دوم - که هدفتلفنی آن برداشته شده - در همان لحظه کنترل می‌گردد . کارگردان اتاق تلفن سرکلادی به نام "وجیه" است که مذیوچا نه تلفن می‌کند ، خود را فردی "سالم" و "مؤدب" نشان دهد .

شش بنده معروف کمیته مشترک در دو قسمت سه طبقه بر روی هم ترا رگرفته اند . سلول های بندهای یک و دو در طبقه همکف و بنده شش در طبقه سوم ، در محال اولیه بازجویی و شکنجه مردان رزمنده و انقلابی - مورد استفا ده قرار می‌گیرند . سلولها و چند اتاق بنده سه ، در طبقه دوم به زبان رزمنده اختصاص یافته است . شکنجه گران در "را هو" با چشم بند در مرحله اولیه با زوجی و شکنجه ، کماکان بگا رگرفته می‌شود . اما قهای در بسته بندهای چهار و پنج عمدتا در مواردی که ترا کم جمعیت وجود دارد در دو در محال پایانی بازجویی مورد استفا ده قرار می‌گیرند .

اطلاعاتی که در زمان شاه ، محصل با زوجی و شکنجه بود ، حالا به موری نظیر با یکی ، تهیه مصاحبه های اجباری تلویزیونی ، بانسما و ... ، اختصاص یافته است .

علاوه بر اطلاعاتی که در قسمت ساختن با زوجی ، در محال ورت درب ورودی بندهای یک و دو ( زیربست) نیز دو اتاق شکنجه قرار دارد که صدای شلاق و فریاد انقلابیون تحت شکنجه از آنجا به وضوح - درون سلولهای بندهای دومی پیچید .

گای به دلیل فضا رخنه ها ، عقب نشینی مقطعی رژیم و بنا به دلایل امنیتی به اسرای کمیته مشترک ملاقات می‌دهند ، این ملاقاتها به طرور حضوری و در لونا یا یک انجام می‌شود .

درون هر سلول یا اتاق ، یک بلنده کونصیب گشته که عتقای متوالیه به پیش قران ، نوحه ، اذان و آرا جیف طلاها با صدای بلند می‌پردازد . در هفتصه یکی از پاسداران با زنبیلی از سگار ، خمیر دندان و مسواک به سلولها مراجه و به افرا دنا زده ستگیر شده مسواک و خمیر دندان می‌فرستد . هر کس در هفتصه قفس حق دارد یک یا کت سگار بخورد ، سه هرفرد دو عدد پشویو یک کاسه یا شاقب می‌دهند . زندانی با یک کاسه یا شاقب را در بریرون و پشت درب سلول بگذا رد و بگهیبا ن پاسدار سلول غذا به درب سلولها رفته ، غذا را درون ظرفها ریخته و به زندانیان می‌دهد و در فاصله کوتاهی پس از آن ، زندانی که اغلب به دلیل نماندن باها ، قا در به حرکت نیست ، با بی‌دلف غذا راشتند و مجددا پشت درب بگذا رد .

مزدوران کمیته ظهرا به این بها نه که سه در کمیته "ا" مکانات ملاقات وجودندارد و در واقع برای آنکه محل نگهداری اسرا مشخص نگردد و خا نوا دهها در اطراف آن جمع و ترندند ، ملاقات را به لونا یا یک منتقل کرده اند . برای ملاقات زندانی را با تویوتا استیشن های مدل بالا که شیشه های آن با رنگ با پرده پوشیده شده به لونا یا یک می‌برند ، نقل و انتقال زندانیان از کمیته به لونا یا یک غالباً بوسیله دو مزدور اسرا می‌ستعار "تیرانسی" و "اسلانی" انجام می‌شود ، وزیر کنترل شکنجه گران کمیته مشترک ملاقات صورت می‌گیرد .

حما همکف ، همان زمان در دسترس ۱۵ دقیقه است ، حما کمیته ، همان زمان شاه است . طلاها تنها با نصب برده پلاستیکی و مسدود کردن سوراخها و درزهای بین دو شفا و زبیرن بردن امکان تماس زندانیان با یکدیگر ، حما را "تاکمل" داده اند . یکی دوترا زبیا در آن ، نقش سلمانی را بر عهده دارند و در قبال اصلاح رومورت از زندانی پرسول می‌گیرند .

شکنجه گران ، تحت فشار رشدها نوا دهها و نیز در ارضای با نقشه های تنظیم شده جهت فریب زندانی هرا زگای اجازه می‌دهند که زندانی با خا نوا ده خود تلفنی صحبت کند و گای نیز مقدار لباس یا میوه از خا نوا ده بخواهد ، اینگونه عقب نشینی بها که در سه به تلاشهای پیگیر خا نوا دهها ، به روزی تمام تمهیل شده ، در عین حال در خدمت "آرام کردن" آنها قرار دارد . مزدوران می‌خواهند که خا نوا دهها آرام باشند تا آنها بخا نند هر بلاشی که ما بل بودند بر ساسیران بیا ورنند .

در این مرکز جنایت ، تمام مزدوران چسه سر با زسو ، چها زوجه نگهیبا ن ، با ما تا مستعار ، با با شما رو بیا با عنا وینی از قبیل "برادر" ، "حاج آقا" ، "همشیری" و ... یکدیگر اسرا می‌زنند . قسمتهای مختلف کمیته مشترک مانند نگهیبا نسی ، قسمتهای بازجویی و ... با شماره های قراردادی نامگذاری شده اند .

پس از پایان مرحله بازجویی ، پرونده ها از وزارت اطلاعات به دستگاه هفاقی فرستاده می‌شود . در این دوره که معمولاً چند ماه درموردی حتی چند سال طول می‌کشد ، زندانی با بی‌سدر انتظار احضار از سوی "بازپرسی" ، در سلول انفرادی بماند .

ترکیب اصلی نگهیبا ن کمیته مشترک ، پاسداران مسلح شده بسیار دو کوماد و عمدتاً روسا روستا ئی اند . پاسداران مجاز نیستند از هویت و مشخصات اسیران آگاه شوند ، از این رو انقلابیون اسیر را با تعیین شما رها مگذاری می‌کنند ، درون هر سلول برگردای تحت عنوان آئین نامه بازداشتگاه نصب کرده اند ، که مضمون آن چنین است :

با زپرسی طی یک یا چند جلسه انجام می‌گیرد . "بازپرسی" در چارچوب پرونده تنظیمی مسواک ، سواالاتی را طرح می‌کند ، طرح سوالهایی را مربوط از سوی بازپرسی امری عادی است . خود بازپرس هم می‌داند که سواالاتی در جای دیگری و به شیوه دیگری طرح شده اند و کار را در حد "تشریفات" است .

۱- هرگونه تماس با سایر زندانیان به هر طریق ممنوع است . ۲- غذا به اندازه اندازه کافی داده می‌شود (حجم غذای کافی ملاحظه در اکثر اوقات برای هر نفر شش تا هشت غذا خوری است) . ۳- حما مهرانفته یک یا دو به مدت نیم ساعت است (در عمل کمتر از با زده دقیقه) . ۴- سگار بعد از هر وعده غذا توسط نگهیبا ن رومی می‌شود . ۵- نان به اندازه کافی در اختیار قرار می‌گیرد ، از سرفا آن خود را می‌کنید (نان کافی یک عدد لوانش برای سه وعده غذا است) . ۶- کتاب روزنامه با اجازه بازجوی "متهم" داده می‌شود . ۷- هوا خوری هفتصه ای یک یا دو به مدت با زده دقیقه می‌باشد (در عمل کمتر از ده دقیقه) .

شعب متعدد بازپرسی در ساختمانها ای جداگانه و زیر نظر دادستان می‌مرکز فعالیت می‌کنند . مسئولین این شعب در مدتی که به است "دادستان انقلاب مرکز" خالی بود ، تحت عنوان "جانشین دادستان" فعالیت می‌کردند .

۸- هرگز بندهای سلول با صدای منوع می‌باشد در صورتیکه با نگهیبا ن کاری دارد ، بنوار کاشفدی پیش بینی شده را از در زبیر سلول خارج کنید ، نگهیبا ن خود مراجمه می‌کند . ۹- از نوشتن هرگونه شعار "له" یا "کلیه" خودداری کنید .

پس از مرحله "بازپرسی" و قبل از "دادگاه" مرحله تنظیم کیفرخواست قرار دارد . در عمل این مرحله را عموماً حذف می‌کنند و تنها برای پرونده های خیلی "سبک" ویا "سنگین" تنظیم کیفرخواست را به عنوان یک مرحله در نظری می‌گیرند که در جریان آن طی یک جلسه نیم ساعت با حضور زندانی و جانشین بیا نمانده اند ، در متن سرهم بندی شده کیفرخواست قرار ثابت می‌شود اگر فرصتی داده شود ، زندانی با بد نظر خود را خلاصه و قشرده بیا ن کند .

۱۰- در موقع خروج از سلول زند چشم بند از ما می‌است . ۱۱- هرگاه در بد سلول با زمی شود "متهم" می‌ایست پشت به درب سلول و رو به دیوار رما ببل قرار گیرد (تا چینه گریه نگهیبا ن شناسایی نشود) . ۱۲- هنگام مچا زوعیادت (برای مذهبیون) از بیابا بردن صدا خود را می‌کنید . ۱۳- در صورت مشا هده هر گونه تخلف از آئین نامه مطبق مقررات تنبیه خواهد شد . و با لآخره ، ۱۴- از فرصت پیش آمده استفا ده کرده و با خویشن خویش جهت اصلاح خود خلوت کنید .

بخش "دادگاه" تشکیل می‌شود ، "حکا مشرع" عموماً در سرتین ۳۰ تا ۴۰ ساعت است . در مقام "حکا مشرع" در مقام "دادگاه" در قسمت با لا خوندنا کسم شرح در صندلی مخصوص لم می‌دهد و در محال فظ

۱۵- در وقت پیش از مچا زوعیادت (برای مذهبیون) از بیابا بردن صدا خود را می‌کنید . ۱۶- در صورت مشا هده هر گونه تخلف از آئین نامه مطبق مقررات تنبیه خواهد شد . و با لآخره ، ۱۴- از فرصت پیش آمده استفا ده کرده و با خویشن خویش جهت اصلاح خود خلوت کنید . (منابع همین آئین نامه در سلولهای اوین نیسیز نصب شده است) .

در قسمت با شین اتاق با هر وی صندلی می‌نشینند ، یک صندلی در وسط اتاق برای متهم در نظر گرفته شده و زندانی تنها بعد از نشستن حق دارد چشم بند را باز کند . بندرت ممکن است علاوه بر حاکم مشرع و دو پاسدار نما بنده دا ستان هم در اتاق محاکمه حضور یابند . در جلسه "دادگاه" آخوند معمولاً در محال خمیا زه کشیدن و یا خلال کردن دندان ، نگاه می‌بند زندانی می‌اندازد ، نام او را می‌برد ، پرونده ای را که معمولاً یکبار هم به طور سطحی خوانده ، ورق می‌زند کیفرخواست را به سرعت قرا ثت می‌کند و بدون آنکه با نه ؟ و هنگامی که با با سخ منفی روبروی شود ، با توهین و فحاشی ، زندانی را از اتاق بیرون می‌کند .

و چنین است دادگاه "عدل اسلامی" خمینی احکام ما دره توسط حکا مشرع ، به جز موا رده خاص و استثنای ، تابع هیچ باطله و معیار منمخی نیست خلعت اسای این احکام مواضو با حاکم بر "قضاوت اسلامی" ضد بشری بودن آنهاست . حکا مشرع آنجان فسا رگسیخته اندکاه عمل واحکامان را با هیچ باطله ای ، حتی با "لظا تلات خودنا که ناماشرا مؤایین اسلامی" نمانده اند ، نمی‌توان توجیه کرد . بطوریکه با رها برای "جرائم" منابه آزادی تا اعدام محکم ما در شده است . از این نظر هم سیستم قضایی خمینی در چها ن منحصربه فرد است . شما تا موجود در احکام ما دره ، با حجرو پوسیدگی سیستم به غایت ارتجا عسی قضا ئی رژیم نشان می‌دهد و گوا ه روشنی بر اسیس واقعیت و خرافات انگیز است که در این سیستم زندکسی یک انقلابی اسیر تابع مطلق حالات روحی یک حانی در فلان روز یا حتی فلان ساعت است .

انقلابیون اسیری که از "دادگاه" به بنده باز می‌گردند ، در جواب هم روزمان خویش ، نکته فوق را در قالب اینگونه جوابها بیان می‌کنند : "کویسا حاج آقا امروز با ضعیفه دهدها کرده بود . " حاج آقا خیلی داغ کرده بود ، کولر ما شیش خراب شده ، " غذای امروز با طبیعت نبوده ، برج زهرنا رسود " حاجی امروز سرحال بود ، الم داده بود و دنا ن خلال می‌کرد . " و ... این جملات که بیا نگر و حیه نیرومند انقلابیون اسیر است ، به هرفهنگ خاص زندان تخلیق دارد . در عین حال نشان می‌دهد که چگونه در سیستم قضایی ارتجا ای خمینی ، همه چیز یک اسیر ، تابع هوا و هوس یک آخوندفا سد و کما به ره می‌شود .

در اوائل محاکم مشرع ، قضاات اسلامی در صدور احکام محدودیتی نداشتند ، اما امروز به دنبال افشای جنایات بی‌شمار حاکم مشرع و همراها "جسا فندان" دستگاه هفاقی رژیم ، حاکم مشرع می‌تواند تا ۱۲ سال محکومیت قطعی ما در کند .

محکومیت های بالای ۱۲ سال تا اعدام به محاکم بالاتر و زحمه های شورای عالی قضایی فرستاده می‌شود . تا در آنجا ، حاکم مشرع و چا ن دیگری زیر نظر آن ها صخه بگذا رد . در موارد ندری که احکام اعدام ارسال می‌شود "شورای عالی قضایی" مورد تصویب قرار نگیرد ، ممکن است میزان محکومیت توسط خود اسین شورا تعیین و به زندانی ابلاغ شود و یا پروتصه شده برای بررسی مجدد به همان "دادگاه" ویا "دادگاه" دیگری فرستاده شود . احکام عدا می که موردنا کشید قرار می‌گیرند ، ممکن است بعد از چند سال به زندانی ابلاغ شده ، تا اجرا در آید . احکام کمتر از دو زده سال بلافاصله ۱۵ روز بعد از "دادگاه" به زندانی ابلاغ می‌شود . احکام بالای دو زده سال پس از مدت زمان نسبتاً طولانی چند ماه و بیشتر ، به اطب مشرع زندانی رسانده می‌شود . در تمام محال "بازپرسی" تا رویت حکم" زندانی عموماً در سلول انفرادی و گاهی در اتاقهای موقت (قرنطینه) بندیک اوین به سر می‌برد .

در اکثر موارد انقلابیون مفا و موسرفرازی که به اعدام محکوم می‌شوند ، در تمام مراحل و تا لحظه اعدام در سلولهای انفرادی نگهداری می‌شوند . جلادان رژیم از تمام آئینها با سایر زندانیان نه وحشت دارند ، این فالتان شکنجه گاهای خمینی ، تا پنج سال هم در سلولهای انفرادی نگاهسداری شده اند .

نکته مهم در مورد حکم اعدام این است که در جمهوری اسلامی هم مانند رژیم شاه ، اعدام تماماً به صورت یک جنایت حساب شده سبای می‌دردهد و در بیرون با مجموعه اوضاع سیاسی انجام می‌گیرد و از این رو صدور حکم اعدام تعیین زمان اجرای آن در انحصار سیاست گذاران اصلی رژیم قرار دارد .

بین دستگاه هفاقی و وزارت اطلاعات رقابت و مسابقتا رتکاب جنایت جریا ن دارد ، و در بسیاری موارد ، درگیریها و اختلافات این دو دستگاه در برخورد با اسیران با رتباب می‌یابد ، هر یک از این دستگاهها تلاش می‌کنند ، ن دیگری را تابع خود سازند ، وزارت اطلاعات با این توجیه که مثل "امنیتی" هستند ، دستگاه هفاقی را پس می‌زند و دستگاه هفاقی با توجیه "استقلال قوه قضائیه" و "تقدس حریم قضاوت" در پی تقو ق بر قبلی است .

در سیستم قضایی خمینی ، دادگاه "تجدید نظر" ویا "فرجام" وجودندارد ، در عوض هرگاه که جلادان خمینی لازم بیا نند ، انقلابیون اسیری را که محکومیت بقیه در

### واحدهای هوادار و وظایف آنها

رژیم مستبد خمینی امکان فعالیت سیاسی آزادانه همه نیروهای انقلابی و ترقیخواه را و امکان تشکیل یابی کارگران و زحمتکشان در سازمان های سیاسی و صنفی شان را از آنان سلب کرده و هر سال شددترازا ل بشش بهما زای های انقلابی و ترقیخواه و مخصوصا به کمونیستها ، یورش می برد . اما علیرغم این ، مبارزه انقلابی خلق در راه سرنگونی رژیم ، مبارزه در راه تامین صلح ، آزادی ، استقلال ، عدالت اجتماعی و سوسیالیسم همچنان ادامه دارد .

سیاست ضد مردمی رژیم ، طیف هر چه وسیع تری از مردم را به مبارزه می کشاند . انقلابیون کمونیست موظف اند با درپیش گرفتن اشکال متنوع کار را زمان نگارانه انقلابی ، در راه تامین آزادی ، استقلال ، صلح ، عدالت اجتماعی و سوسیالیسم در آن را در راه تامین هدایت نمایند .

سازمان ما علیرغم آنکه طی بیکردها و دستگیریهای وحشیانه رژیم تا کنون تعداد دگتیری از کارورها و اعضا خود را از دست داده است ، همچنان فعالیت در سازمان یافته و متشکل خود را ادامه می دهد . با این حال باید گفت که در نتیجه یورش های رژیم به سازمان ما و بطور کلی در نتیجه ستبدان دوحشیانه آخوندی و کاکمربکنور ، ارتباط تعداد زیادی از کارورها ، اعضا و هواداران سازمان با رهبری و با واحدهای سازمانی قطع شده و شرایط فعلی امکان نمی دهد که در کوتاه مدت این ارتباطات تامین گردند .

قطع ارتباط بخشی از نیروها ، اگر چه بر آهنگ و کیفیت کارشان تاثیر منفی دارد ، ولی به هیچ وجه جنبه مانع آدامه فعالیت آنان نگردد . سازمان می کوشد ارتباط با این نیروها برقرار شود ، اما به هم رفقای که ارتباطشان قطع شده است توصیه می کند که فعالیت خود را به برقراری این ارتباط موقوف نگذارد .

سازمان با توجه به تجارب مبارزه در قیل و بعد از انقلاب ، ایجاد واحدهای کوچک و مخفی هوادار را به مثابه یکی از اشکال مناسب سازماندهی اعضا و هوادارانی که به هر دلیل ارتباطشان با سازمان قطع شده است ، می شناسد . این مقاله لگا نخستین است در راه معرفی ساختار ، وظایف و عرصه های فعالیت این واحدهای هوادار .

#### ۱- چگونگی تشکیل و فعالیت واحدهای هوادار

واحدها در ، تشکیل کوچک و مخفی اعضا و هواداران غیر مرتبط با سازمان است که فعالیت آن در چارچوب تشکیلات سازمانی و در چشم انداز زنده نیست . امکان پذیر نیست . این واحدها را در چارچوب برنامهموختی عمومی سازمان فعالیت می کنند و در این چارچوب ، آموزش تشکیلاتی و احدا را ساحل و فصل نمایند . واحدهای هوادار ، اساسا با تاکید بر گوناگون گزاشتن فکر "به انتظار نشستن تا وصل ارتباط از بالا" ، با هدف جاری کردن تهرناموختی عمومی سازمان در میان مردم ، رهبری و متشکل کردن مبارزه آنها ، کابین امکانات بسطی گسترش این مبارزه ، و تامین ارتباط با سازمان تشکیل می شوند .

هر قیظ قطع ارتباط شده ، قبل از هر چیز باید این اصل را در تشخیص فعالیت خود در راه مبارزه با رژیم مستبد و متشکل فعالیت کرد ، و باید به جستجوی راهیائی پیدا کرد که در اینکاموفق شود ، یا قش کانا ل های ارتباط با سازمان ، یکی از این راههاست . اولین سوا لی که معمولیترین می آید ، این است که تا برقراری این ارتباط چه می توان کرد ؟ وجهیاید کرد ؟ تجربه مبارزه نشان می دهد که تا آن زمان می توان به فعالیت سازمان یافته ادامه داد . و در دست اولی است که این کار انجام شود ، ایجاد واحدهای هوادار تجربه ارزشمند مبارزه است که در سال های اختناق محدود فرانسای شمبالات سودمندی به بار آورد . مسئله مرکزی این است که تنها یدا غا فعالیت را بسطه برقراری ارتباط با سازمان متشکل کرد .

در شرایط کنونی می توان و باید به سمت کار سازمان یافته و به طور مشخص به سمت ایجاد واحدهای هوادار کار برداشت . تردیدی نیست که واحدهای هوادار که تا زه کار و کم تجربه اند ، از اشتباه کردن و یا از یورش پلیس سیاسی مومن نیستند . تجربه مبارزه در هر دور رژیم شاه و خمینی نشان می دهد که گاهی افرادی بدون تصمم و تفکر کافی ، اقدام به ایجاد واحدهای هوادار کرده اند که بزنی از آنها در عمل ، تنها کار پلیس را برای دستیابی به انقلابیون آسان نموده است . با این حال ، ترس از خطا و یا از ضربه نسیا بدنامع ایجاد واحدهای هوادار کرد . قبل از شروع کار باید دست و عمیقا با و در دست تشکیل این واحدها امری ظخیر و پر مسئولیت است ، اعضا و هواداران غیر مرتبط بسط تشکیلات سازمان ، با آگاهی بر این مسئولیت باید برای تشکیل و تحکیم واحدهای هوادار قدم به جلو برداشته و با اقدامات فوری عمل کنند .

شروع کار با چنین رویه ای ، اما ملزم می سازد که توان خود را واقعیتها نه ارزیابی کنیم و اقدامات خود را از همان ابتدای کار ، سنجیده و طبق نقشه آغاز کنیم .

قدم اول و مهم ترین قدم در سازماندهی این واحدها ، گزینش رفقای مناسب است . برای موفقیت در این کار ، با تکیه بر سیاستهای کلی که اعتماد متقابل در تقویتها نه عامل تعیین کننده در انتخاب افراد است ، بویژه در شرایط استبداد و اختناق فعلی ، مسئله مرکزی این است که افرادی که برای تشکیل واحدهای همکار با آن انتخاب می شوند ، از هر نظر مورد اعتماد کامل باشند و این اعتماد برپا به شناخت شخصی به یدا مده باشد . اعتماد در واقع نه متقابل نقش مهمی در کیفیت و استحکام مناسبات اعضا و واحدها در آغاز و در طول کار دارد .

تکیه بر شناخت قبلی که ممکن است در جریان فعالیت های مشترک گذشته به یدا شده باشد ، اگر چه لازم است ، اما کافی نیست . باید از آخرین وضعیت رفقای که ندید اطلاع دقیق داشت و بویژه در درجه اول باید از سلامت امنیتی آنها اطمینان کامل داشت . باید میزان آماندگی آنها برای مبارزه جسدی و آماندگی سیاسی و سلامت امنیتی شان بر اساس شناخت مستقیم تضمین شده باشد . تنها زمانی به راه پیشینشانه دشمنی جهت کار سازمان یافته بدرت نمود که : اولام نسبت به همه موارد فوق ارزیابی مثبتی وجود داشته باشد . وثا نیسبام در پروسه برخورد های مقدماتی نسبت به پاسخ مثبت از سوی آنها ، اطمینان کافی به یدا مده باشد . چرا که پیشینشانه دشمنی مودریافت پاسخ منفی موجب پخش اطلاعات شده ، آسیب پذیری کار را از همان آغاز افزایش می دهد .

تجربه نشان می دهد که قبل از ایجاد دوباره اشکال متشکل واحد ، میتوان و باید ظرفیت و درجه آماندگی افراد را و طلب به کار را در گروه کارهای عملی انقلابی محسک زد .

پس از طی پروسه برخورد های اولیه و تصمم کافی ، ایجاد دگتنده واحدها در یادداشتی از رفقای دیگری که از سابقه مناسب ترند ، انتخاب نموده و مسئله تشکیل واحدها به طور مشخص با آنها در میان بگذارد ، از آن پس کلیه مسائل

اساسی و مهم را باید در جمع سه نفره حل و فصل نمود . هسته ای که بدین شکل تشکیل می گیرد ، برای آنکه به واحدی موثر و جدی بدل شود ، باید به خرد جمعی اعضای خود تکیه کند . این امر بویژه امروزه که این واحدها از ارتباط مستقیم با رهبری سازمان محروم اند ، اهمیت بیشتری دارد و تنها وسیله عملی و موثری است که خلافت رهبری مستقیم را در حد مقدورات هر واحد حاکم می دهد و درجه صحت تصمیمات را افزایش داده و احساس مسئولیت مشترک را تقویت می کند .

کارها و واحدها را باید شکل گیری هسته سه نفره اولیه آغاز می شود . این هسته می تواند تعداد کل اعضای تشکیلات خود را حداکثرا ۷ نفر ، از افزایش دهد . تجربه نشان می دهد که افزایش تعداد افراد تشکیلاتی مرتبط با هر واحد هوادار به بیش از تعداد فوق ، امری مطلقا نادرست و خطر ضربه پذیری واحد را افزایش می دهد . همچنین واحدها در نهایت بدتحت هیچ عنوانی با واحدهای مشابه دیگر ، که به هر دلیل از وجود و هویت آنها آگاه شده است ، تماس بگیرد . در عین حال هر واحد هوادار باید به اشکال متنوع با افراد ، محافل و تشکلهای که در عرصه های مختلف مبارزه می کنند ، مرتبط شود ، و آگاه به اشکال یکنوعه ارتباط ها را گرساب شده و دقیق با شنیده تنها آسیب پذیری احدا را پیش نمیدهند ، بلکه علاوه بر همه فوا شد دیگر ، وسیله موثری است در خدمت بقای واحد ، گسترش دامنه تاثیر و نفوذ آن در محیط و ایجاد امکانات وسیع توده ای .

علت اینکته تا کنونی شوده تعداد اعضای واحدها کثرتا یدا تقریبا ششده به هیچ وجه نیاید تعداد آن از این سقف تجاوز نکند ، قبل از هر چیز ، خفقان و سرکوب شدیدا کم است . بویژه آنکه تجربه اعضای واحدها در جمله سه رفیق موسسان نیز معمولا با این است . محدودیت تعداد اعضای تشکیلاتی واحدها به هیچ وجه معنای محدودیت حوزه فعالیت آن نیست و نیاید باشد ، اتفاقا برای آنکه واحدهای هوادار را یدا برسانند ، باید ضمن مخفی ماندن ، تشکیلات و هویت افراد آن ، با حداکثر نیرو و با تنگادر محافل اطراف خود در شکل های مختلف در دسترس نفوذ کنند و با آنها را ایجاد نماید و با افراد مترقی و دمکرات و دیگران می که فاقد توانائی ورود به واحدها هستند ولی آمانده اند در سطوح مختلف کمک کنند . حتی اگر چیزی باشد به اشکال طبیعی (با استفاده از روابط شخصی ، خانوادگی و غیره ) را به بطن بگیرند ، آنان را به سیاست سازمان جلب کنند و توسط آنان این سیاست را در محیط جاری سازند .

نام " واحد " برای اشکال های هوادار از آن رو انتخاب شده است که مفهوم کلی تری را بیان می کند . واحدها در نهایت می توانند یک هسته توده ای سه نفره یا یک گروه هوادار ۷ نفره . هر واحد باید تعداد در هر چه وسیع تر از محافل توده ای ، و روابط مهم توده ای و افراد هوادار مرتبط باشد . آنچه محدودیت تشکیلاتی واحدها تعیین می کند ، کیفیت ظرفیت اعضای آن با یکدیگر است بر اساس رابطه شان با سایرین کیفیتا متما یز می سازد . رابطه درون گروهی بر اساس اصل تبعه متفقا بل و در اشکالی نظیر گزاشتن دهی و گزاشتن گیری ، انتقاد و انتقاد خود ، تصمیم گیری جمعی و مسئولیت فردی و ... تعیین می یابد .

رابطه درون گروهی را به یدا یست آگاهانه ، دا و طلبانه ، مستقیم و هدفمند و منضبط .

در کار گروهی هیچ خطائی صملک تر از آن نیست که اعضای واحدها تصور اینکده روابط متنوع اجتماعی به روابط گروهی آنها آسیب می رساند ، خود را از مردم پنهان کنند و واحدها به جمعی منفرد و بی اثر تبدیل نمایند . هر یک از اعضای واحدهی توانند و با در اطراف خود اتواع روابط سیاسی ، اجتماعی ، صنفی ، فرهنگی ، هنری ، ورزشی و غیره را با تشکلهای محافل و افراد دگوناگون برقرار نمایند تا بتوانند در عمل سازمان نگرما زرات مردم شود . مهم آن است که این روابط ، تبدیل به عوامل آن قابل توجه باشد . مهم آن است که واحدها سطح و کیفیت هر رابطه ای را متناسب با ظرفیتها ی طرف مقابل بطور مشخص بررسی و تعیین کنند و از ارتقای پیش از موقع یا دیر هنگام سطح رابطه پرهیز نمایند . بعنوان مثال رابطه با کارگری که هنوز آماندگی متراکت در مبارزات صنفی را ندارد ، باید به یدا در سطح دوستی ساده و کمک و مساعدت در امور زندگی محدود شده و به مرور به سطح رابطه صنفی- مبارزاتی ارتقا یابد . و برعکس باید از برقراری روابط سیاسی با کارگری پرهیزی که نسبت به مسائل سیاسی علاقه نشان می دهد ، استقبال نمود و با محدود کردن رابطه با او در حد مسائل صنفی پرهیز کرد . در تمام این روابط آنچه که باید بدینها ن بماند ، وابستگی فردی به معنی و به طریق اولی پیوسته و یا سازمانی است . از جمله از این طریق ، یعنی از راه شناخت سطح و کیفیت موضوع رابطه ، اعمال تشکلهای محفل یا فردی و تنظیم درست رابطه با آن است که می توان اصل اساسی " تلفیق کار عملی و مخفی" را با موفقیت به یدا کرد .

واحدها در برای حفظ و تحکیم انسجام درونی خود ، لازم است ضوابط کار درونی خود را مشخص نماید ، این ضوابط باید به مقدمتایمان بندی جلسات ، شکل و شیوه راهببین اعضا ، نحوه چرای قرارها ، ضوابط حمل و نگهداری اسناد و امکانات ، میزان " حق عضویت دروا واحدها دار " و غیره را روشن سازد و در ورود کار و بر حسب ضرورت تکمیل شود . تکیه بر ضوابط در همه امور ، هر چند که ضروری بی اهمیت جلوه کنند ، بویژه برای پیشگیری از خطر تبدیل واحدها به محفل ، لازم است .

تذکراتین نکته لازم است که پذیرش یک فرد بعنوان " عضو واحدها " را مطلقا به معنای پذیرش آن فرد بعنوان عضوا زمان نیست و نخواهد بود . زیرا پذیرش عضویت یک فرد در سازمان ، توسط سازمان حزبی انجام میگیرد که از سوی ارگانهای مربوطه در رهبری چنین حقی را دریافت کرده است ، نه توسط یک واحدها دار . به همین ترتیب ، دریافت مسئولیت به عنوان " حق عضویت دروا واحدها دار " به معنای دریافت " حق عضویت در سازمان " نبوده و نیست . دریافت " حق عضویت دروا واحدها دار " تنها از این نظر توصیه می شود که افرادیکه به فعالیت دروا واحدها در توسط آن واحدها پذیرفته می شوند ، بدین طریق همبنا نظم و روحیه حزبی آنها و تربیت شوند .

در شرایط کنونی کانا ل اصلی رابطه سازمان با این واحدها ، را بدینو زحمتکشان ایران است . این واحدها از طریق را بدیندر جریان نظمرات و هنمودهای سازمان قرار گرفته اند ، آنها را با شرایط مشخص مبارزه خود منطبق ساخته و یکا ر می بندند . گوش دادن منظمه را بدینواحدها امکان می دهد که در عرصه مسائل سیاسی ، ایدئولوژیک و در استفاده از تجارب جمع بندی شده جنبش ، نزدیک ترین رابطه را با رهبری سازمان داشته باشند .

ارتباط متفقا بل این واحدها با سازمان ، از طریق رساندن اخبار و گزارشات به رهبری سازمان و بر اساس ضوابطی که در شرایطها ی قبلی نشریسات " کار " در پیگردید ، برقراری می شود . برای سازمان اهمیت بسیار در درجه در جریان رویدادهای کشور حتمی جزئیات آن قرار گیرد و در مدار آن آنچه که می گذرد ، مطلع سازد . از این نظر رساندن اخبار و گزارشات به رهبری سازمان وظیفه مهم هر واحد هوادار است . اما تذکراتین نکته اهمیت جدی دارد که برای سازمان تشکیل ، تشکیم و افزایش تعداد این واحدها و مخصوصا حفظ موجودیت و آماندگی شان بر مابا رساله اخبار به این معنی نیست ، که اگر واحدها هنوز تجربه کافی به دست نیاید و دست آگاه چگونگی خبر و گزارش را تنظیم و ارسال کنند چنانچه به دست پلیس افتاد به هسته دست نیاید ، و یا اگر واحدها مربوطه فاقد آماندگی و وسیله

نیز که در شکل های زرد دولتی، نبض مبارزات زحمتکشان را در دست داشت و همواره آنها و یک گام جلوتر از آنها در مبارزه شرکت جست و با آنها هم خط مشی سازمان، شعارهای در دست را به موقع طرح نمود. همواره مبارزات قدم انقلابی طبقه نود و دو، در عین حال با یادآورنده بسیا موزد و متعاقباً با جمع بندی شده مبارزات طبقه کارگر و زحمتکشان را به مردم منتقل کند و به آنها کمک نماید تا به تکیه با و شیوه های گوناگون مبارزه تعیین شده و در نهایت در جریان مبارزات محدود و روزمره به ضرورت انقلاب قهرآمیزه مبارزه را همراهی از جنگال فقر، جهل و ستم طبقاتی دست یابند. بدین ترتیب "تاریخ" را توده های مفهوم بسیار گسترده ای است که مجموعه ای از فعالیت های همزمان، تبلیغی، ترویجی و سازمان نگرانه را دربرمیگیرد. و بیش از آن، کارهای انقلابی کمونیست را به ویژه در شرایط میهنی با شامل می شود. تعیین به جهان بیینی علمی ما رکیسم-لنینیسم، اطلاع از ادبیات، فرهنگ، هنر، آداب و رسوم ملی و انقلابی و نیز تجربه زندگی در میان مردم به هر فرد پیرو سوسیالیسم علمی کمک می کند که در فعالیت سازمان نگرانه و کارهای موقتی شود.

**تبلیغ** یکی دیگر از عرصه های مهم کار حزبی است که در اشکال پرنوعی انجام می پذیرد در شرایط مشخص میهنی ما واحدهای هواداری که تبلیغ را در برنا می عمل خود قرار می دهند، با بدعلاوه تبلیغات شفاهی در جمع و محافل گوناگون، به کار "تبلیغی" و ضبط و تکثیر و پخش تراکتها و اعلامیه های سازمان "به مثابه اشکال موزنتیبلینگ" و توجیه ویژه مبدول در نمودار شرایط قطعی به شعار رنویسی به مثابه شیوه ای نسبتاً آسان و در عین حال موثر توجه لازم را مبدول دارند.

**ترویج** یکی دیگر از وظایف حزبی است که آنجا اشکال متنوعی دارد. واحدهای هواداری می توانند با ایجاد دکتا بخانه مخفی و سازمان دادن محافل کتا بخوانی در فرامان کارگران و زحمتکشان، از طریق بحث های مستمر و حساب شده اعضا واحدهای افراد، محافل و مجامعی که در ارتباط با آنها قرار دارند، و در مواردیکه امکانات و احاد جا می دهد، از راه ترجمه و تالیف و نشر علمی آثار علمی و مترقی، تکثیر "انقلاب و سوسیالیسم" و دیگر کتا بیهای منتشره سازمان، وظایف ترویجی خود را به انجام می رسد. توجه به این حقیقت که هر گاه رستم و غولانی مورچین زحمتکشان و انقلابی، در طول دوران ستمشاهی، چنانچه میهنی در تربیت انقلابی جوان داشته، اهمیت کار ترویجی در شرایط تروور و اختناق را با خوبی آتشکاری می سازد.

همانطور که قبلاً گفته شد، گسترش تعداد اعضای تشکیلاتی واحدهای در شرایط کنونی امری است خطرناک و نادرست. تقویت مبارزه هواداران و کمک به افزایش تعداد آنها از وظایف مهم واحدهای هواداری است. عدم گسترش اعضای واحدها زحمتکشان شده به معنای عدم تلاش و حد برای جلب افراد تازه به هواداری از سازمان و خط مشی آن و تغذیه سیاسی - ایدئولوژیک هواداران و دستداران سازمان از در منطقه مربوطه، از طریق تکثیر اشکال سازمان دادن رهنمودهای لازم برای هدایت مبارزه شان از طریق مقتضی نیست. مشروط بر آنکه واحدها آسیب پذیر نکنند. واحدهای هواداری باید به طریقی که خودکشی را می کنند، هواداران، افراد پیشرو و دمکرات و مترقی، محافل و تشکل های کد معمولاً در سطوح مختلف و اشکال متفاوت هستند و در حوزه فعالیت واحدها در یافت می شوند، راه های مختلف و شیوه های مختلف ضروریات سازمان را به آنها برسانند، بطریق مقتضی مشکلات آنها را تشخیص داده و رهنمودهای لازم را به آنها برسانند، تعداد درجه بیشتری را به هواداری از سازمان جلب کنند.

علاوه بر این بوده های پیشرو مردم، علمی و مودودار غا ز نسبت به شخصیت انقلابیون کمونیست تمایلی و سمپاتی پیدا می کنند. در این رابطه هنر و یک انقلابی اصل آن است که اولاً به اراده شخصیتی مبارز و مردم دوست و با ایجاد افراد و احترام، توده های پیشرو خوش را به سوی خود جلب نماید. و ثانیاً - افرادی را که به شخصیت او علاقمند شده اند، با کار پیگیری و مستمر خود به سطح یک "سمپاتی سیاسی و سازمانی" ارتقا دهد.

**حفظ گروه و تضمین آدا مکار** در شرایط تروور و قرون وسطای حاکم بر کشور، مهم ترین و اساسی ترین مسئله هر گروه انقلابی است. در این رابطه واحدها باید به طور مستمر، روشها و اسالیب کار تبلیغی سیاسی را در حد مقدور خود، دنبال کنند و در محافل تا کتیک های تازه دشمن و اکش مناسب نشان دهند. اطلاعات کنونی واحدها در آدا مکار و آراش خنثی کردن آرا اقدامات مقتضی را معمول دارد، با اعضا و سمپاتیهای زندانی و احزاب و اشکال شده، آموزش های مربوط به فنون مبارزه با پلیس سیاسی، حرکت و تعقیب و مرا قبت، حمل و نگهداری اسلحه، نفوذ، مکاره تبلیغی و مکاره سیاسی که به وسیله سازمان منتشر شده، با دقت، ابتکار و احساس مسئولیت کامل، در برابر شکر روزمره خود به کار برسانند. کار بست اصول مخفی کاری و تبلیغی خلافتها کار تبلیغی و مخفی.

چنین است که راه اصلی یک گروه انقلابی در مواجهه با پلیس سیاسی، در این زمینه مالی برای یک واحد مخفی، از اهمیت جدی برخوردار است، واحد را به دقت بر آوردن دقیق هزینه های خود در هر مرحله از کار، منابع تامین مالی را به دقت روشن سازد و درجهت ایجاد منابع با جمع آوری کمک مالی به اشکال مستقیم و غیر مستقیم از افراد و محافل اطراف واحد، در یافت مستمر "حق عیونت" از اعضای واحدها و ختن امکانات مالی به نفع گروه، از راه های متداول تامین مالی آن است. یکی از وظایف مهم واحدها، بویژه واحدهای کد از امکانات مناسب مالی برخوردارند، کمک مالی به سازمان است. واحدها باید کمک مالی به سازمان را در دستور کار خود قرار داده، فعالیت مالی خود را گسترش دهند و وجوه حاصل را از گوناگونی طیف مبارزان به سازمان برسانند. سازمان مطابق قرار گیری که واحدها کمک دهند می فرستد، در یافت وجوه را اعلام خواهد کرد. جمع آوری اطلاعات و اخبار سیاسی، بویژه اخبار مربوط به جناحی از رژیم و مبارزات مردم و ارسال آنها برای رهبری سازمان، عرصه دیگری از کار انقلابی است که بویژه در شرایط اختناق کنونی از اهمیت جدی برخوردار است و واحدهای کد باید در وضعیت شغلی و موقعیت اجتماعی افراد آن از امکانات خبرگیری مناسب برخوردارند، می توانند در این عرصه کار، بیشتر فعالیت کنند.

یک گروه انقلابی، بدون آموزش مستمر اعضای خود، نخواهد توانست در انجا وظایف کد به پیش رود، موقت باشد. برنا مه آموزشی باید به اعضای واحد در تعیین هر چه بیشتر به رکیسم-لنینیسم، تبلیغ و خط مشی سازمان، در پیگیری مستمر و واقع سیاسی کشور و جهان، در آشنایی هر چه وسیع تر با فرهنگ و ادبیات ملی و انقلابی، و در فرا گیری شیوه ها و اصول کار سازمانی یا رسانی. برای تدوین برنا مه عمل مناسب علاوه بر مطالب یاد شده، باید به موارد ذیل نیز توجه داشت:

الف - واحدها در باید با تکثیر بر امکانات موجود، سمت طبقاتی سیاست تشکیلاتی سازمان را که هر یک از سازمان نگرانه، در میان طبقه کارگر صنعتی، بویژه در واحدهای استراتژیک نظیر صنعت نفت، نیروگاهها، ذوب آهن، مخابرات، هواپیما، و آهن و غیره تا کیدارد، هوازه نادردها و بر اساس

درس و گوناگون مطمئن برای رساندن اخبار به سازمان است، حتماً اخبار و گزارشات را به هر قیمت ارسال کند. تکرار می کنیم که برای سازمان، اصل بر تشکیل و تکمیل واحدهای هواداری، حفظ آنها از یورش پلیس و آدا مکار آری خلاق و بویایی آنهاست. اگر واحدها حفظ شود، می تواند از گوناگون امکانات سازمان ارتباط بگیرد. در عین حال واحدها باید به منظور برقراری تمسکی مستقیم با رهبری سازمان در خارج از کشور به امور امکانات مناسب با آشناساسی سازمان نهی نماید و ضمن برهیز از عجله، ابتکار را از جمله وظایف ثابت و مهم بودتلی نماید.

اصل ما رکیستی در سازمان نگرایی حزبی، سازماندهی تولیدی - منطقیه ای است. سازماندهی واحدهای سازمان (چنانچه ضرورت تشکیلاتی، روش دیگری را بجا بکنند) بر اساس محل کار روزندگی صورت گرفته و طبقه جین نیز آدا مکاره بوا هدایت. در شرایط فعلی و در سازماندهی یک واحدها در نیز با بدکوشید با واحدها مربوطه یک و یا چندوا حد تولیدی معین و یا منطقه جغرافیائی مشخصی را به عنوان حوزه فعالیت خود، تحت پوشش داشته باشد. اما رعایت همه جا نباشد. اصل برای واحدهای هواداری ممکن است نامقدور و در مواردی حتی نادرست باشد. در غالب موارد ممکن است صحیح تر آن باشد که نیروهای واحدها از نا نا لهای طبیعی شنا سائی و جذب شده اند، در محل کار روزندگی خود کدکسه روا هدای تولیدی مختلف و یا مناطق جغرافیائی متفاوتی هستند، با قسیمی همانند. مهم آن است که واحدها در اعضای خود را بیشتر از حد توصیه شده و خارج از توانائی رهبری واحد، گسترش ندهند. سطح روابط و قلمرو فعالیت هر واحدها باید به گونه ای تعیین شود که هم بتواند آدا مکاره ای هسته را تا مین کند و هم آن را در عمق محیط اطراف نفوذ دهد.

در سازماندهی واحدها در باید مودک در نظر داشت که اصول کار مخفی در شرایط تروور و اختناق، "تجربگی کیفیت بر کمیته" "عدم تمرکز اطلاعات"، "تلفیق کار عملی و مخفی"، "انضباط آهنین" و... تابع بزرگی و کوچکی واحد نبوده، در هیچ حالتی و برای هیچکس استثنا نمی پذیرد. بر اصول باید به گونه ای خلاق، در انطباق با شرایط مشخص واحد، همواره به رسته شوند.

همچنین همه اعضا و هواداران باید خطا ایجاد "گروه" بوسیله پلیس، به منظور گسترش رستا مودق و انقلابی و بی اعتبار کردن تشکیلات سازمان و هواداران مورد توجه جدی قرار دهند. در گذشته، همسایگان شاه و همسایگان کمینی توانستند استفاده از این شیوه شماری از انقلابیون را شناسائی و سیر کنند. راه اساسی بقا به با این تاکتیک پلیس، تکیه بر شناخت مستقیم، شخصی و نزدیک از افراد، دادن اطلاعات اضافی و توجیه بودن روابط است. برای مقابله با این ترفند پلیس، فرد انقلابی در رابطه با افرادی که او وظیف فعالیت تشکیلاتی استند، با بدیبا موصول و بدون تحجیل برخورد نماید و بویژه هیچ مراجعه ای با سخ مثبت ندهد، مگر آنکه از سلامت امنیتی فرد مراجعه کننده بعد از تحقیق نا ای، اطمینان کامل حاصل نماید. علاوه بر این رفیقان همگام برای کارگر و همی اعلام مادی می کنند، با بدیبا در جریان همکاری با واحد نیز همواره هوشیار و سبست به هر گونه حرکت و اقدام غیر عادی احساس باشد. (حرکتی که به با تکرار حضور عنصر نفوذی است در حوزه "نفوذ و راه مقابله با آن" که بوسیله سازمان منتشر شده، به تفصیل شرح گردیده است). البته این هوشیاری باید به مثابه فعالیت و عوش بیشتی انقلابی در هم، میخته شود، تا به ایجاد دفعتی بجا عمداً در واحدها به سبب نگرید و آدا مکاره در فعالیتها که از من اصلی بقای واحدها در راست، از زمین برسد.

هسته ها و گروهیائی که بدین گونه تشکیل می شوند، صرف نظر از آنکه اعضای آنها در گذشته، بوسیله سازمان به عضویت پذیرفته شده اند یا خیر، ما هیما واحدها در رابطه شماری روند. نیک و احزابی. این امر قبلاً از هر چیزی به این دلیل است که این واحدها بوسیله سازمان بلکه توسط اعضای آن بوجیه نبود آمده اند. با این حال این واحدها باید بدکوشند اعضای خود را از هر نظر پرورش دهند و آن را به افراد مبارز و با نفوذ و آرا در منطقه خود، تبدیل کنند. زمانی که واحدها با سازمان ارتباط گرفت، آنگاه رهبری سازمان با بررسی وضع مشخص آن، تصمیم خواهد گرفت که واحدها فعالیت های خود چگونه تحت چه عنوانی و در کدام سطح و اشکال ارتباطی با سازمان، آدا مکاره دهد. بهر حال رهبری با بدیبا بدکوشد کیفیت واحدها تا سطح یک واحدهای ارتقا دهد و افراد خود را با بوجیه حزبی پرورش دهد. واحدها که در میان اعضای آن، رفیقانی هستند که در گذشته به عضویت در سازمان پذیرفته شده اند، می توانند از جایز کار حزبی این رفیقان بهره گیرند. مهم این است که افراد واحدها باید این فکر را رهنمای خود قرار دهند که تشکیلی را که درست کرده اند نباید به سطحی از کیفیت، انضباط، بایه توده ای و تا شرد در مبارزه، ارتقا دهند که در شرایط رهبری سازمان آن را در سطح یک واحدهای ارزیابی کنند.

واحدها در سازمانی که از امکانات مبارزه، نظیر ضرورت موقع گیری علمی و سیاسی می پیروم این و با آن مسئله مبارزاتی، آرا و آرا رستا ختبه، بهر تر است بدون نام اعلام شده، فعالیت کند. اما هنگامی که در پیشرفت کار واحد چنین الزاماتی پیدا می شود، می تواند با نامهای مناسب نظیر اسمی شمسدای سازمان و جنبش کمونیستی و گانگری میهنان و یا هر عنوان دیگری که بیشتر به نفوذ و احزاب در مردم منطقه و به پیشبرد سیاست سازمان کمک می کند، اعلام موجودیت نماید. باید توجه داشت که با در نظر گرفتن نیاز جنبش ما به حفظ آدا مکاره ای تشکلها - اعم از تشکل های سیاسی و یا دمکراتیک و توده ای - ضرورت دارد که مسئله اعلام نام واحد و موضوعی علمی آن به دقت و بویژه از این زاویه، ارزیابی شود که آیا اعلام موجودیت تا چه حد سمپاتی پلیس سیاسی و آسیب پذیری واحدها را افزایش میدهد. در مواردی که واحدها را تجربه کم کار گروهی است و با اعلام موجودیت آن را به دنبال خواهد داشت، می توان و باید از اعلام موجودیت صرف نظر کرد.

وظایف و عرصه های فعالیت واحدهای هوادار

اولین و مهم ترین وظیفه هر واحد و تشکیلات، تنظیم یک برنا مه عمل مناسب است. همه رفیقانی که در سازمان و بعد از انقلاب در ارتباط مستقیم با سازمان بوده اند، با چگونگی برنا مه ریزی کار حزبی آشنا هستند. اکنون زمان آن است که رفقا اندوخته های تجربی خود را مستقلاً در انطباق با شرایط نوین و با ابتکار و خلاقیت، به کار بگیرند و به خود خود در تدوین برنا مه عمل سیاسی رسانی کنند.

برنا مه عمل باید با تدبیر و واقع بینی، با در نظر داشت سیاست و خط مشی سازمان، با لحاظ تمام ملل مجامعه، امکانات و واحدها و توجیه ایدیه سمت طبقاتی سیاست تشکیلاتی سازمان تدوین شود و وظایف کوتاه مدت و بلند مدت و حدود تک اشکال اعضا در عرصه های کار توده ای، تبلیغی و ترویجی، آموزش مالی، امنیتی و جلب هواداران از راه سیاست سازمان مشخص نماید.

کار توده ای کمونیست ها فعالیت های متنوعی را در بر می گیرد که به با هدف سازماندهی و هدایت مستقیم مبارزات طبقه کارگر، به دقت آن، زحمتکشان شهری و سایر اقشار رلیق صورت می پذیرد. در کار توده ای باید از طریق ایجاد، تکمیل و گسترش تشکلها و محافل توده ای، ایجاد دما س های مستقیم اشخاص و

اگر تراباز داشت کردند رفیق!

با زحوشی هر مرحله ای از مبارزه یک انقلابی در شرایط ارت در چنگال دشمن است که ما نندهر...

بازجویی (۱)

آغاز می شود. مزدوران گروه ضربت به دلیل نگرانی از حمایت مردم از فرودستگیر شده و توجیه...

تسویم می توانی

همه تلاش پلیس در این شرایط ممتد است که به زندانی القاء کند، هیچکس را یا رای مقام...

اما زندگی بخلان چنین دروغی را هزاران بار ثابت کرده است. همین تبلیغات پیرا مون ساواک...

پلیس سیاسی در جستجوی ربودن گوهری است که در مغز متفکران جای شده است. اومی دانند که...

پاسخ انسان انقلابی به ردالت های سبانه دشمن، گویا ما با نذوبیرویش است: "تسو...

نمی توانی! (ادامه دارد)

کمیته مشترک... آنچه شما نموده ویا رویه شماست ویا وجود آنها حتی در اسارت...

(ادامه دارد)

گای پلیس سوژه را در محل قرار دستگیر نمی کند و با آدا مه تعقیب و مراقبت، دستگیری را در...

در شرایط امروز، مرکزی دوا شروعی با زحوشی در شهران همانا "کمیته مشترک" شاه...

در همان اتفاق که نشان را با درسا ختمان بازجویی (در طبقه بالا) نخستین سؤالات را به صورت شفا هی...

درمان اتفاق که نشان را با درسا ختمان بازجویی (در طبقه بالا) نخستین سؤالات را به صورت شفا هی...

در روسیه تزاری به بلشویکها توصیه می شد که در بازجویی، تنها به گفتن مشخصات خود اکتفا کنند...

در جمهوری اسلامی، بازجویی از طریق قضایی و حسیا نه ترین انواع شکنجه ها انجام می شود. با زح...

این نبرد را از نزدیک مورد مطالعه قرار می دهیم:

بازداشت

دستگیری انقلابی معمولاً توسط "گروه های غریب" که تحت کنترل ساواک خمینی و در هما هنگی و...

است که رهنمودهای فوق، تدقیق و تکمیل خواهند شد. این رهنمودها...

از زمان توقف در محدوده قبلا لیت مرصا انفرادی را به رفقائی که فاقد ارتباط...

آنچه امروز از اهمیت درجه اول برخوردار است، تداوم کار ریکی و صبورانه در میان...

پرسشور، ولسی آرام، پرسکار، ولسی منظم

آن به ایجا د مکانات تازه بپردازد. ب واحدنا پیدا پذیرش گارگسترده و متنوع به خرده کاری...

بلکه با بدبختی در توین برینا مه عمل محدود و مشخص و منطبق با توانائی و امکانات...

کاربست خلاقانه رهنمودها که راه گردید، به اعضا و هواداران سازمان کمک خواهد کرد...

موفقیت بیشتری ادا مدهند. این رهنمودها دکم و تغییرنا پذیر نیستند. در جریان کار...



اساسنامه... ضامن...  
آمار می توان گفت که در بازنویسی و اصلاح اساسنامه قبلی ۸ ماده حذف و ۴۳ ماده به لحاظ مضمونی تصحیح شده است. به طرح اساسنامه مصوب در مقابله با اساسنامه قبلی، ۲ فصل و ۷ ماده و ۷ تبصره جدیداً اضافه شده است. جهت این تغییرات متوجه تطبیق هرچه خلقتان در هر چه جا نبوده است. حزب پرولتری بر شرایط مشخص جامعه ایران و بر مرحله تکامل سازمان بسوده است.

واضح است که خلقت تکامل نیافتن اساسنامه جدیداً تصحیح های ساختاری و مضمونی آن مشخص می گردد. این تصحیح ها کداند؟ تغییرات یا دنده ها به اختصار به شرح زیر می توان خاطر نشان کرد:

در فصل اول: سیاست و ماهیت طبقاتی سازمان با صراحت و دقت ترسیم شده است. موقع طبقاتی سازمان که... آری، منافع و خواسته های آنی و آتسی طبقه کارگر ایران را نشان می دهد. موضوع ایدئولوژیک سازمان که... "مارکسیسم-لنینیسم، یگانگی علمی و انقلابی دوران ما است" با صراحت و خالی از هرگونه ابهام مورد تأکید قرار گرفته است. در طرح جدید اساسنامه به تصریح شده است که دستمایه ما "مفاد و اهداف سازمان" است. سوبیا لیسیم ایران... در گروه کیمیت طبقه کارگر، در هم شکستن مفا و مست طبقاتی بهره کش و براندازی نظام سرمایه داری است. "طرح مصوب تا کیسه دار سازمان اعضای خود را با روحیه و وفاداری به طبقه کارگر ایران و با روحیه میهن پرستی و انترناسیونالیسم پرولتری پرورش می دهد. در فصل دوم: شرایط عضویت در سازمان و پذیرش به سازمان، در این فصل تغییرات درجهت رعایت بیشتر از پیش موازین لنینیستی عضویت و پذیرش بوده است. هر لنینیستی بخوبی می داند که مباحث مربوط به عضویت و پذیرش در حزب، چه جای مهمی در نظریه و سیاست حزب دارد. همه ناگفته نماند که در این فصل خود "یک گام به پیش دوگام به پس" تشریح کرده است، اپورتونیسم تشکیلاتی یا برداشت انحرافی از موضوع عضویت و پذیرش در حزب را به زاری کند. دادن عنوان نشانخ و رزمجویانه "عضو حزب به هر آن کسی که" اخلاقی است فقط به شیوه افلاطونی مناسبات تشکیلاتی را قبول کند" (۱) و همچنین "تصا پیل به شیوه خودمختاری در مقابل مرکزیت" (۲) دارد، باعث نامشخص شدن حدود تشکیلاتی حزب و در نتیجه عدم شفافیت ایدئولوژیک و سیاسی حزب طبقه کارگر می گردد.

اهمیت موضوع عضویت و پذیرش در این حال از اینجاست که می شود که ترکیب اجتماعی سازمان نقش فاعلی در این کیزگی و شفافیت ایدئولوژیک آن بازی می کند.

در طرح اساسنامه به مصوب تصحیح های درجهت استحکام محدود صریحاً مشخص تشکیلاتی صورت گرفته و تسهیلات معینی برای عضویت و پذیرش کارگران و زحمتکشان در سازمان منظور شده است.

در فصل سوم، وظایف و حقوقی اعضا: تصحیح های درجهت تأمین شرکت هر چه موثر تر و همه جا را به اعضا در "مسائل ایدئولوژیک، سیاسی و فعالیت لیسیت عملی سازمان" به عمل آمده است. تشویق اعضا به انتقاد و انتقاد از خود با روح آموزش لنینیستی را بر بر این نکته متفکانه نگینان با یکدیگر خود را در جریان نارسایی ها و چلنج گیری از خطاها دانما بینند (۳) حائز اهمیت جدی است. در بند "د" ماده ۱۲، در باره حقوق اعضا تصریح شده است، "هر عضو حق دارد از ارگان های حزبی و مسئولین سازمانی صرف نظر از موقعیت آنها در اجلاس های سازمانی، کنفرانس ها، با انتقاد صحیح، عضو کلیه اجلاس را بگیرد و منتقدان را تحت فشار قرار دهد، مورد تنبیه انضباطی قرار می گیرد. در تنظیم فصل سوم طرح اساسنامه مصوب، تلاش مجموعه کمیته مرکزی آن بود که معیارهای لنینیستی زندگی حزبی بر مرحله تکامل سازمان خلقتان انضباطی داده شود.

تشدید اصل لنینیستی دیکراسی درون حزبی، بر برداشتن تمام اعضای سازمان از لحاظ حقوق و وظایف، شرکت فعال آنها در حیات ایدئولوژیک، سیاسی و عملی سازمان، گسترش انتقاد و انتقاد از خود، قابلیت عزول و نصب ارگان های رهبری و اصل انتخابی بودن آنها، تا یکدیگر حق تمام اعضا در انتخاب کردن و انتخاب شدن در ارگان های سازمان، تا یکدیگر تصریح اصل گزارش گیری و گزارش دهی، از نهاد تصمیم گیری به اکثریت آرایه بندی بر اساس آراء و عقاید سازمان یافته جمع دروا حدهای حزبی از این با لاکه جمله آن در بر توری و روحیه عالی تشکیلاتی، تا بحیثیت اقلیت از اکثریت و رعایت بر تریب های حزبی و انضباط آئینین آنگا در پذیرش، از انکارت طرح اساسنامه مصوب محسوب می گردد، با بدخاطر نشان کرد که فصل سوم بر پایه این اصل انضباطی لنینیستی دقت پیدا کرده است که می گویند شکل روابط و حقوق اعضا و ارگان ها در یک سازمان مارکسیست-لنینیست و انترناسیونالیست از سرشت ایدئولوژیک و طبقه ای آن به متناهی سازمان سیاسی طبقه کارگر است می شود و به آن اتکال دارد، این سخن به معنی آن است که شکل روابط و حقوق اعضا و ارگانها، زمانی می توان در نتیجه درستی درک و نتیجه تطبیق نص صریح اساسنامه تنظیم و بسازی شود که در پیوند جدی با پذیرش اصول جامعه ما حزب پرولتری، بسا مارکسیسم-لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری که چنان بینی سازمان ما و تعیین کننده سمت طبقاتی فعالیت آن است، مورد ملاحظه قرار بگیرد. تنها در چنین صورتی است که اعضای سازمان قادر می گردند در تحکیم حقوق خود به آن توجه کنند و در آنجا تصریح شده است، بیانگور و زنده منافع آنی و آتسی طبقه کارگر باشد و سیم خود را در گروگان ساختن انقلابی جامعه دستمایه بسا سوبیا لیسیم دانما بیند.

در فصل چهارم، انضباط سازمانی: در بر توی این اندیشه بنیادین مارکسیسم که فعالیت در سازمان ما بر اصل داد و طلبی نه بودن و آنگاه نه بودن چیزی، می یابد، در راستای تربیت اعضای سازمان با روحیه و منش عالی حزبی، تصحیح های نمایانی صورت گرفته است.

تحکیم اصل رفاهت و اعتقاد در حصار فریقا نه، متکی ساختن انضباط بر شالوده آنگاه بی عمیق نسبت به اهداف فریقا نه سازمان، فداکاری و احساس مسئولیت در قبال نشروست طبقه کارگر و توده های خلق، با ورخنده نا پذیر به راه و آرمات سازمان و تسلیم نا پذیری در برابر دشمنان صلح، استقلال، دمکراسی، پیشرفت اجتماعی و سوبیا لیسیم، از اهم مضامین این فصل به شما رسمی رود. ماده ۱۳ این فصل تصریح شده است:

"انضباط سازمانی به معنی اجرای برنامه، اساسنامه و سیاستهای سازمان، اجرای تصمیمات سازمانی و مبارزه برای دستیابی به اهداف و آرمانهای سازمان است. موازین انضباطی در مورد تمام اعضا، صرف نظر از موقعیت آنان در سازمان یکسان اجرا می شود."

در این فصل ما دهی به تشویق سازمانی اختصاص یافته است. در ماده ۲۱ این فصل آمده است:

"اعضای سازمان به پاس خدمت در حصار به آرمان طبقه کارگر و زحمتکشان، از جان گذشته گی در برابر دشمنان خلق و اجرای خلقتان و پیگیری تصمیمات سازمانی و آرمانها و پیگیری در پیوند با دشمنان و سوبیا لیسیم سازمانی در مورد تشویق قرار می گیرند."

این ماده تا کیدی بر اعتبار، حرمت و مسئولیت با پیسته مقام عضویت در سازمان است. در فصل ششم، ساختار تشکیلاتی: کمیته مرکزی پیگیرانه تلاش کرده است که اصول کلی ساختار حزب پرولتری را بر شرایط جامعه ما و مرحله تکامل سیاسی سازمان انضباطی دهد، و از جمله به منظور تکمیل بر تریب های سازمان از ثبات ضروری برخوردار باشد. در تبصره ۱ ماده ۲۶ این فصل تصریح کرده است که: "بنیادهای اصلی ساختار تشکیلاتی در شرایط فعلی لنینیستی و مخفی یکسان است. ولی اشکال سازمانی، تشکیل ارگانهای سازمانی در سطوح مختلف و درجهت مرکز تشکیلاتی به شرایط مشخص بستگی دارد. این ساختار می تواند با اشکال سازمانی است و سمت سازمانی ندهی را به لحاظ ساختاری معین می کند. مختلف توسط کمیته مرکزی تعیین می شود. ارگانهای پیش بینی شده در شرایط در ستا سربان فصل، تلاش کمیته مرکزی برای تحکیم موقعیت سازمان در میان طبقه کارگر و توده های زحمتکش میهن ما مهروشان خود را، ماده به ماده و نظر به سطر بر جا گذاشته است. اندیشه را تنها در تمام این فصل، این حکم لنینیستی است که منشأ نیرومندی حزب را در پیوند آن با طبقه کارگر و توده های دهها میلیون زحمتکشان جستجو می کند.

پیدا است که هرگاه اندامها سازمان ما در هر جا که توده ها مولد هستند، گسترده نشود اما مکان آنها نخواهیم یافت که در این جنبش توده ها قرار بگیریم و در پیش سوبیا لیسیم بر پایه میهن خود را هتزا زد آوری، با اینکه طبقه کارگر چه میزان امکان می یابد که در انقلاب نقش رهبری و پیشوا خلق را ایفا کند و مهر هژمونیک خود را بر انقلاب فدا میری لیسیتی و دمکراتیک مردم ایران بکوبد، دقیقاً به این مشروط می شود که سازمان سیاسی طبقه کارگر تا چه میزان در میان طبقه کارگر و توده زحمتکشان کشور را با زکند و در یک کلام در راه تشکیل ساختن آنان زبردش رها نمی بخش خود ا هتعام می ورزد.

اساسنامه مصوب کمیته مرکزی برای انضباط برداشتن نقیبه های ساختاری که سازمان را از آن رنج می برد، شالوده ستواری را بی افکنده است. در اساسنامه مصوب کوشش بعمل آمده است که مطابق آموزشهای لنینیستی و اصول ساختار حزب پرولتری، سازمان اولیاد استحا که موقدرت ضروری خود را در مرحله کنونی تکامل ساختاری سازمان ما، حوزه ها نقش سازمان اولیه را ایفا می کنند، بر اساس محل کار یا زندگی تشکیل می شود" و "پیوند زنده و مستقیم کمیته های رهبری سازمان با توده های کارگران و دهقانان و سایر اقشار خلق برقرار می کنند.

استحا موقدرت سازمان اولیه و بیوزیه ترکیب اجتماعی حوزه ها، نقش فاعلی در ثبات ایدئولوژیک و سیاسی سازمان و کیفیت پیوند آن با توده های زحمتکش بازی می کند، حوزه محل پیوند حزب با جامعه توده ها است و ضرورت دارد که نقش و اهمیت آن در حیات حزبی با زشنا خته شود. درجه تکامل ساختاری یک حزب، بیوزیه با سطح تکامل، قدرت و استحکام سازمان مشخص می گردد.

در تبصره ماده ۲۷ تصریح شده است که: "تمام اعضای کمیته های رهبری، عضو حوزه های محل کار و محل زندگی - با حقوق مساوی با دیگر اعضا - هستند. این تبصره نشان می دهد که میان رهبری و توده سازمانی و از این طریق با توده های مردم پیوند نزدیک تر و زنده تر برقرار شود، بلکه راه برای برخاستن رهبران سازمان از میان حوزه ها و در برده عمیق تر و دور اندیشانه تر از حقوق عناصر رهبری و طبقه کارگر و زحمتکشان گنایا است.

برای اولین بار در اساسنامه سازمان، حوزه های حق را یافته اند که با دوسوم اعضای خود، پیشنها پذیرش عضویت فرد متقاضی عضویت را جهت تصویب به کمیته های بالاتر ارجاع دهند. این حق امکانات بزرگی برای گسترش صفوف سازمان از مردم زحمتکش و بطور کلی بهبود کیفیت اجتماعی سازمان بسود کارگران و زحمتکشان بید می آورد.

اساسنامه مصوب در راستای تکامل دستگاه رهبری گام های بلندی به پیش برداشته است، تصریح مقام دبیر اول کمیته مرکزی و وظایف آن، مشخص تر ساختن حدود مسئولیت و وظایف کمیته مرکزی، هیات سیاسی و هیات دبیران و دقت بخشیدن به مناسبات میان آنها، از جمله گامهای است که با اساسنامه مصوب پلنوم کمیته مرکزی در راستای مناسبات تر ساختن دستگاه رهبری سازمان به پیش برداشته شده است.

تشدیدت با و مقام نشانخ کنگره به معنای "عالی ترین ارگان سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)"، قانونیست حقوق خدشه نا پذیر بنا بندگسان و تعیین حدود وظایف و ترتیب و توالی برگزاری کنگره ها دی و فوق العاده از دیگر شاخص های اساسنامه مصوب پلنوم مهر ما ۱۳۶۶ کمیته مرکزی است.

علیرغم پای بندی نظری سازمان ما به اندیشه های مارکس، انگلس و لنین در زمینه اهمیت اساسی نقش اساسنامه در زندگی و فعالیت سازمان سیاسی طبقه کارگر، اساسنامه هنوز در عمل جایگاه لازم و پیسته را در سازمان ما پیدا نکرده است. این قبیل از هر چیز ناشی از سطح تا زل مرحله تکامل سازمان ما به مثابه سازمان سیاسی طبقه کارگر ایران است. ناگفته پیداست که در حله با این سازمانی با طبقه کارگر ایران و شرایط اجتماعی و تاریخی فعالیت مارکسیستی ایران در شکل گیری برداشت های ما مورد نقش و مقام اساسنامه های ویژه دارد. کافی است آثار کنگره که استبداد، سلطنت دراز مجال تکامل حزبی و شکفتگی تربیت حزبی را به معنای وسیع کلمه آن - از طبقه کارگر و دیگر اقشار خلق با زشنا خته است. فرهنگ حزب در نیروهای جنبش انقلابی میهن ما سربازان است.

سطح تا زل فرهنگ و تربیت حزبی در مصوف ما با ضعف شناخت از مقولات اساسنامه ای نیز مرتبط است. بویژه زندگی حزبی، یک بویه خود انگیخته نبوده و تابع قانونمندیها است که آنگاه بی بر آنها شرط ضرور شکوفائی و متعالی ساختن حیات حزبی است. از این رو ارتقاء آنگاه بی مارکسیستی-لنینیستی از اصول کلی ساختار حزب پرولتری، معیارهای لنینیستی حزبی و از سببنا لیسیم دمکراتیک به ما یاری می رسد تا جا و مقام ما بیسته، اساسنامه در سازمان خود را زشنا سیم و در راه تکامل تر ساختن سازمان خود به لحاظ ساختاری مجدداً هتعام ببورزییم.

این نیز از مرحله کنونی تکامل سازمان ما است. اساسنامه مصوب پلنوم مهر ما کمیته مرکزی این راه تکامل را می نمایاند. رفقا! از وظایف انقلابی ما است که در راه تسخیر آینه، دست در دست یکدیگر در چنین راه نظر آفرینی به پیش تا زیم، اساسنامه ما من ضرر دهد فمتد و متشکل ما سست.

زیر نویس ها

۲- لنین، یک گام به پیش دوگام به پس، منتخب آثار ریگلدی ص ۱۷-۱۶۹  
۳- لنین، مجموعه آثار، جلد ۲۶ ص ۴۳۶

# وحدت حزب کمونیست و حزب کارگر ترکیه

در مهرماه سال دسیران کل کمیته های مرکزی حزب کمونیست و حزب کارگر ترکیه در یک کنفرانس مطبوعاتی، وحدت احزاب ایران و ایران را موخه مضمون اصلی حزب جدید "حزب کمونیست متحد ترکیه" را اعلام داشتند. این وحدت نتیجه تلاش های مسئولان رهبری دوحزب است. حزب کمونیست ترکیه در کنفرانس پنجشنبه خود در سال ۱۳۶۲ تصمیم گرفت، همگامی و روابط دو حزب کارگر کمونیست ایران را بداند. در نتیجه این همکاری وحدت در نتیجه همکاری های متقابل فراهم شده است. طرح برپا شدن حزب کمونیست متحد ترکیه است که انتظارها را برآورده است. اکنون با زمانهای حزبی هر دو حزب در حال بحث روی این طرح است که نتیجه آن برنا می باشد. حزب کمونیست متحد ترکیه را تشکیل خواهد داد.

طرح برپا شدن حزب کمونیست متحد ترکیه، برنا می باشد که اساس وحدت دوحزب برنا می باشد. ما در کمیسر، لینینسم و آلترا سونا لیسم پرولتری را تشکیل داده است. خطوط استراتژیک حزب در ایران برنا می باشد. در این زمینه است عیار رتبه بندی، تلاش در حفظ صلح، نجات ترکیه یعنی انزاسیاست جنگ طلبانه امپریالیسم آمریکا و تأمین دموکراسی در کشور.

برنا می باشد که حزب کمونیست متحد ترکیه "برای صلح و احیاء دموکراسی، برنا می باشد برای "تأمین یک رژیم دموکراتیک براساس شرکت فعال از همه های زندگی سیاسی کشور در آن، پارلمان را از طرفی و دموکراتیک انتخاب شده و بالاترین ارگان نظامی سیاسی خواهد بود." در برنا می باشد که "در چارچوب سرمایه به اداری مسائل زحمتکش نمی تواند کاملاً حل شود. ولی این امکان برای زحمتکشان موجود می آید که مبارزه را به شیوه سازمان یافته ای در جهت حل مسائل اجتماعی براساس برنا می باشد که به کار مشروع کنند. اگر امروز در حل مسائل، کاملاً در جهت صحیح برپا شده نشود، فردا زمانیکه مبارزه تحت شرایط سوسیالیسم ادامه خواهد یافت، حل این مسائل به مراتب مشکل تر خواهد بود."

در برنا می باشد که "دستیابی به سرمایه داری، حزب بدون شرکت با زنده و وسیع ترین بخش های نیروهای چپ، از سوسیالیسم دموکراتیک گرفته تا کمونیست ها، از دموکراتیک های کردنیست که لیت ها را از چپ ها را دیدگال تا طرفداران محیط زیست و بدون مادیات بخشیدن به همکاری بین چپ ها و دیگر نیروهای دموکراسی، براساس توافق های متقابل، عملی نخواهد بود... ما برای بحث های زنده حاضریم، موافق تبادل نظر با زنده های دیگر نیروها هستیم. راه دیگری وجود ندارد. به همین دلیل ما طرح برنا می بود را علنی و در دسترس عموم قرار داده ایم و علاقمندیم که دربار آن به بحث بنشینیم... در دوران حزب ما، مبارزه خرد جمعی از هر موقع دیگر بیشتر است. احساس می شود، تبادل نظر و اطلاعات با بدست آمده بلور منظم، از اعضا و تا رهبری و از رهبری تا اعضا.

## بمناسبت نو د مین سالگرد تولد نیما یوشیج آنچه می باید روید ، روید

آذرماه سال، مصاف با نو د مین سالگرد تولد نیما یوشیج، با به گذار شعر نوین فارسی است. هنرمندی بزرگ و بدعت گذار با شاعری درخور همه بیگانگان، اصل، که چشم اندازی نوین در برابر شعر فارسی کشود و به رغم چشم بستن به پرستان، میراث گرانقدر شعری فارسی را - با تحلیلی ژرف و انقلابی در آن - پاس داشت و با اندکی بخشید. میراث فرهنگی نیما، قبل از هر چیز آشنایی تحولی ژرف در دریافتها و نگرش های اجتماعی و هنری است. عشق به انسان و نفرت از هر آنچه که انسانیت را خشنود و روتیا می برآورد، در نخستین آثار نیما چون "افسانه"، در قالب رمانتیک انقلابی جلوه می یابد. اما این رمانتیک در پرتو توشه اندوخته های نیما از گنجینه جهان بینی علمی و دریاقت عمیق بیام اکثر، با آرمانخواهی سوسیالیستی درمی می یزد. نیما که در درگرو عشق و آزادی انسان زحمتکش دارد، با دقت هنرمندی رئالیست و گندیدگی و روابط غیر انسانی که هر جا مع و و پیروزی محتوم، نه که به برحق است، تصویر میگیرد و در آثارش چون "تا قوس" و "مرغ مین"، خلافتها را تبیین می دهد. هر چه که زمان می گذرد، جایگاه واقعی نیما در تاریخ ادبیات ایران آشکارتر می شود. نیما زمانی خود، چنین نوشت: "شما را زمان بوجود آورده و لازم است که زمان شما را بشناسد. رنگ شراب را شمس".

آیا برآستی "شراب نیما" تا کنون در میهن ما در دنا خفته است؟ بیک تعبیر آری و به تعبیر دیگری نه! آری! از آنکه مقام نیما به مثابه بنیانگذار

ساده صورت گیرد. به اشتنا موازید مطلقاً ضرور، اصل مخفی کاری با یدجای خود را به علینت و مراحت بدهد. مباحث درون حزبی که با هدف متشکل و یکپارچه کردن خواست سیاسی حزب کمونیست متحد ترکیه جاری است باید از آدا نه به شیوه های برنا مریزی شده و سازمان یافته جاری گردد. اعضای رهبری باید فعلاً در این مباحث شرکت کنند. این شیوه باید هم برای مباحث کلی و هم برای مباحث مهم سیاسی به کار گرفته شود. اگرگانه ای حزبی با بدقت کنند. در عکای ربا به های مناسی را برای بحث ایجاد کنند و نظرات مختلف در این مباحث را منعکس نمایند. مسئله مرکزی شما پیشنیادهای و انتقادات را گرفته، آنها را با بدقت ارزیابی نموده و در فواصل زمانی در این مباحث شرکت کرده و با شرح "خط حزب" و پاسخ مستقیم به سئوالات اعضاء، آنها را همتای شما کنید. مباحث نباید فقط برای بحث کردن جاری شود. کلیه مباحث باید هدف روشن نمودن مسائل در رابطه با تصمیمات حزب را به گونه ای افزایش دهد که حزب بتواند انتقادات بیشتری را به کار گرفته و همچنین روحیه مبارزاتی حزب را بالا ببرد. انتقاد باید در دریک محیط رفیقانه و دوستانه، صریح و محکم باشد. مباحث باید به در جهت وحدت و توریته حزب کمک کند. در مباحث راهی با آلترا به بدین نوعی "تبادل شدن" دست یافت بدون آنکه در راه پرولتری اسیر شد.

وحدت حزب کمونیست و حزب کارگر ترکیه بر اساس فعالیت مشترک دوحزب و تلاش برای دستیابی به مجموعه مملکی از سنن انقلابی و تجارب اندوخته هر کدام مشکل می گردد. با توجه به برنا می باشد که مباحث سازمانی و پیمان نیل و قدرت هر یک از آنها، تشکیل حزب کمونیست متحد ترکیه، نقطه عطفی خواهد بود. راه پاسخ به پراکندگی تاریخی در جنبش سیاسی طبقه کارگر ترکیه.

حزب کمونیست ترکیه بیش از ۶۰ سال است که در شرایط غیرقانونی فعالیت می کند. حزب کارگر ترکیه نیز که در سال ۱۹۶۱ تأسیس و از همان سال، فعالیت قانونی خود را آغاز نمود، مانند حزب کمونیست ترکیه، چندین بار مورد پیروش محافل حاکم قرار گرفته است. به دنبال کودتای نظامی سال ۱۹۸۰، حزب کارگر ترکیه نیز غیرقانونی اعلام شد. حزب کمونیست متحد ترکیه برای تحقق هر چه موثرتر و گسترده تر، تلاش در ارتقاء فعالیت است. قانونی را در کشور دست یابد. در این رابطه بود که کمیته های مرکزی حزب کمونیست و حزب کارگر ترکیه به دبیران کل خود مأموریت دادند که از محافل تبعیدشان در اروپا به منظور انجام تصمیمات لازم جهت هموار کردن راه برای فعالیت قانونی حزب کمونیست متحد ترکیه، به کشور بازگردند. ولی رژیم ضد کمونیست و زوال آنها را در فرودگاه های زدن کرد و هم اکنون نیز فعالیت کمونیست و سندیکائی را مورد تعقیب قرار داده و در دمدمی که بازداشت شدگان است.

نظر به اهمیت رویداد وحدت دوحزب کمونیست کارگر ترکیه، گزارش مطبوعاتی دبیران کل دوحزب ذیلاً درج میگردد:

## هنرمند ادبیات هر دهی

شعر نوین فارسی تشبیت شده است. سبک ایاد عسی نیما به رغم خالشی بردا منته و طولانی، به سبک غالب شعر فارسی معاصر بدل شده و سرختر ترین گهنگه اندیشیان را نیز بران دادشته تا دست کم در قالب، آزا و پیروی کنند.

اما به تعبیری دیگر، به معنای که بخوا هیتم شناخت نیما را به عرصه دریاقت مین اجتماعی است. آثارش تعمیم دهیم، با دیدگوشیم، نه، هنرمند و "شراب نیما" تشبیت نگردده و در دیندا خفته است.

این امر برخلاف تشبیتات محافل فرهنگی بورژوازی، مربوط به قالب و سبک کار نیما و به نام و پیچیدگی زبان او نیست، بلکه عمدتاً به جوهر و مضمون عمیق اجتماعی و سیاسی کار او بر میگردد. پرسیدنی است که آیا در شرایطی که "خبر" "ایم" های مکتب "مدرن" و فرمالیستی هنر غرب در جا فرهنگ ایرانی با زتاب می یافت، مقاومت در برابر "نوگرایی" نیما - آنکه به معنای ووا نمود می شد - تنها مربوط به تحولی بود که نیما در عرصه "فرم" و در شعر فارسی کرده بود؟

بحث های "داغ" اسکولاستیک و فرمالیستی پیرامون شعر نو که حدود ۳۰ سال در مطبوعات وابسته به رژیم عراق داشت و تلاش برای درسا به گذاشتن محتوای عمیقاً مردمی آثار نیما، شناختی سیاسی راستین این پیشگامان را برای مردم دشوار کرد و در دنا خفتن "شراب" را به تاخیر آفکند.

نیما فرزند دریاقتین زمان خود است و تا سگیز آنکه زمان با گذار هنگی در دنا می در میهن مسایر می کند. از توله هنری نیما تا کنون ۷۰ سال میگذرد. طی این مدت نیردی برداشته و مدام میان

اطلاعیه مطبوعاتی  
حزب کمونیست و حزب کارگر ترکیه  
در حال حاضر ما به ای که در مقابل ترکیه قرار دارا، این است که ما در آن کشور انتقالات به دموکراسی صورت خواهد گرفت یا خیر. ما برای پاسخگویی به آرزوی مردم کشورمان، آرزوی برای دموکراسی، احساس مسئولیتهای کنیم. ما با ورود ما به این مباحث حزب کمونیست ترکیه و حزب کارگر ترکیه یک گام به سوی انجام این مسئولیت برداشته ایم.

در طرح برنا می باشد که ما نقش کلیدی به دموکراسی داده شده است. ما روز ما یک آلترا می شود مگر تیک در چارچوب سرمایه داری را مطرح می کنیم. ما با واردیم بدون حمایت و تقویت دموکراسی راه گذار به سوی سوسیالیسم هموار نخواهد بود و تنها راه رسیدن به سوسیالیسم از درون دموکراسی می گذرد. سوسیالیسم فقط از طریق توسعه دموکراسی می تواند رشد کند. حزب ما یک حزب سکتاریستی و محدود به خود نخواهد بود. ما ادعا نمی کنیم که تنها نمایندگان طبقه کارگری ما باشیم. همچنین ادعا نمی کنیم که حقیقت فقط در انحصار ما می باشد. ما همیشه از نظریات دیگر نیروهای سیاسی، روشنفکران و زحمتکشان استفاده می کنیم. ما تلاش خواهیم کرد تا شیوه تفکر صلح آمیز، دموکراتیک و او را میسازد را در نظام سیاسی، پارلمان و اداره کشور منعکس کنیم. ما برای بحث های زنده حاضریم. در دوران زندگی حزبی ما دموکراسی یک عامل تغییرناکردنی خواهد بود. ما همیشه موافق تبادل نظریات با دیگر نیروها خواهیم بود. چیزی که کشور ما نیاز دارد یک فرهنگ سوسیالیستی است. ما همیشه به فرهنگ جدید دموکراسی، راه دیگری وجود ندارد. جز برقراری گفتگوی متقابل و ایجاد نظرات مشترک بروی حل مسائل کشور به منظور جامع نیروهای چپ و کسب تفاهم در میان نیروهای دموکراتیک. به همین دلیل ما طرح برنا می خودمان را علنی می و در دسترس عموم قرار داده ایم و علاقمندیم که در باره آن با هر کسی به بحث بنشینیم.

حزب کمونیست متحد ترکیه با یک هویت نوین در مبارزه سیاسی شرکت خواهد کرد. هویتی که به سبب ایده های اصلی کمونیسم تدوین و با سازندگی، واقع گرای، انتقادی گرای، یکپارچگی و مجموعه ای از صفات دموکراتیک دیگر درون اصول کمونیسم مشخص شده است. و ادعای داشتن تنها می میراث انقلابی کشورمان و جنبش کمونیستی و گارگری ازال ۱۹۲۰ را دارد.

توضیحات علیه حزب کمونیست ما موا ۱۹۱۰ و ۱۹۲۰ قوانین گیری ترکیه تعقیب و آزار علیه احزاب ما، لکه تنگی برآدا من ترکیه می باشد. رژیم "اورن - اووال" مبارزه خصمانه ای را علیه هر دوحزب به پیش می برد تا مانع از وحدت حزب کمونیست ترکیه با حزب کارگر ترکیه شده و بدین طریق از گسترش نقش جنبش کمونیستی جلوگیری کند. ما از همه نیروهای دموکراتیک و طبقه عساکر می خواهیم تا علیه این توضیحات به مخالفت برخیزند. به منظور تحقق هر چه موثرتر برنا می جدیدمان حزب کمونیست متحد ترکیه برای قانونی شدن می گوید.

کهنه و نو با فرا زو فرودها می، جاری بوده و هست. "تجاشکاران قمر پوش از راه شفق" بیرون نجسته اند و طبقه ای که نیما آرمایا آنها پیش را پاس میدارد، همچنان در چنگ مردگان برآمده از قفرتورن، گرفتار مانده و با تلاشی فداکارانه و رنجبار در ردا رنگ آزادی خویش است.

شعر نیما، بیرون دقایق در دنا در پیروان سرور و عزم و نوید یکپارچه روپروزی امروز و فردا است؛ تنگی خانه ما را می بافت دشمن با نکه حیلها ندوزش و ای برمن، می کند ما ده بهر سینه من خیرا می نیی که به زهر کینه آلوده است.

پس به جا ده ای خوین کله های مردگان را  
به غبار رقبه های کهنه اندوده  
از بس دیوار من برخاک می چینند  
در میان کله های چیده بنشینند  
سرگذشت زجر را خواند...

اما:  
"شعب، بمب کینه به دل می جوید،  
روزمی آید،  
آنچه می باید روید، روید."  
شعر نیما، شراب هشیا ری بخش نیما نیسوز بی تردید چنین سرشوشی دارد. به رغم جهل ستوروی و نوحه سرایی، به رغم فرهنگ ستیزی و خرافه ستیزی، ارتجاع، این شراب در دما ندا ز دورنگ گلگونش، یکم و گاست، بر همه عیان می شود.

### تصمیمات لویه جرگه تاریخی

اجتماع بزرگ نمایندگان مردم افغانستان (جرگه) ۹ آذر ۱۳۶۶ به کار خود پایان داد. در اجتماع طرح قانون اساسی جدید جمهوری نستان تصویب شد. در همین راستا، ریاست نستان در افغانستان برقرار شد. طبق قانون نستان، نام افغانستان از جمهوری دموکراتیک نستان به جمهوری افغانستان تغییر یافت.

در پایان اجلاس رفیق نجیب با اشاره به سیاست عظیمی که از جانب مردم افغانستان بر سر وی گذارده شده است، این انتخاب را به مثابه نایبی مردم افغانستان و مصالحه و نشانه بهار حزب دموکراتیک خلق افغانستان و وظیفه‌های دستیابی هر چه سریع‌تر به صلح و توافق ملی و جنگ ویرانگر کشور را زاری می‌کرد.

دو آورد که امروزه مصالحه ملی به واقعیت می‌رسد، تغییر شده است. رفیق نجیب گفت که فصل سیاسی اوضاع داخلی و طرف افغانستان افغانستان و همچنین راه‌فکر و اندیشه است. افغانستان برای مساله مذاکرات با حکومت خان درون، اهمیت فراوان قائل است و آن به شمر رسیدن هر چه سریع‌تر آن می‌باشد. له خروج واحدهای نظامی شوروی، یکی از موارد مذاکره در زوایا خواهد بود. نجیب گفت که مساله جدید مذاکرات، تاریخ زمان خروج این ها را از ۱۶ ماه به ۱۲ ماه پیشنهاد می‌دهد.

البته رسیدن به توافق مورد نظر می‌تواند به مدت زمان بیشتری طول بکشد. وعده تکرار آن جدا تصویب صورت می‌گیرد. رئیس جمهور افغانستان ضمن اعلام صدور ن عفوی از ۵ هزار تن از زندانیان، آتش‌بس نامبر را به مدت ۶ ماه دیگر یعنی تا آخر خرداد اعلام کرد.

رئیس جمهوری افغانستان، رهبران تاهای ایران و پاکستان را فراخوانده است. از دست برداشته، و برقراری دولت وحدت ملی را برای آینده می‌خواهد. وی تاکید می‌کند که ملاقات در هر سطح و هر زمان و در هر محل اعلام می‌گردد. نجیب اظهار داشت ما به تشکیل کنفرانس بین‌المللی دربار اوضاع داخلی افغانستان و افغانستان با شرکت اتحاد شوروی و آمریکا ندهستیم.

تحقیق تعداد برپیشینها شده می‌تواند در تاهای مین و تحکیم ثبات منطقه نقش ایفا کند.

ارواشننگ... بقیه از صفحه ۲

جنگ ادا می‌سازد است و متقابلاً در خدمت ج و اهداف سیاسی قرار دارد. اما یک جنگ آبی، به مثابه ادا می‌سازد است. در این زمینه، به هیچ وجه نمی‌تواند - متقابلاً در چنین منافع و اهداف سیاسی قرار گیرد. آن صورت دیگری در طرفین منافع سیاسی نندما نندمی چیزی که به خاطر آن جنگ رخ داده است. سیاست و هدف سیاسی جنگ افروزان، دیگر خ و خواهد بود و نه از خودی استگزاران، نشانی و حقیقت‌گرایان عصر هستند. است که نتوانی یا لیستها را نیز به فکرو چاره‌اندیشی وامی‌دارد.

با همه اینها و بر موقعت‌گونی، آبی می‌تواند امیریا لیسم و دیگر تلاش خود برای تحقیق رویای یخولیا بی "عصا آمریکا" که دوران استیلا می‌باشد، دست‌نظمی می‌کند و امیریا لیسم آمریکا می‌باشد، است که کشیده است؟ یا خشن منشی است. میخائیل گارباچف درباریه نیه تلویزیونی‌اش از بارگشت از واشنگتن، هشدار داد: "تنها و زار زدیده را گذاشته است ولی مخالف معینی در یگا و در کشورهای غربی دیگر هم اکنون سیج شونده تا تغییراتی که به سود می‌شود مناسبات المللی را به صورت گیرد، جلوگیری کنند. این

پیشن‌ها خطرناکند و نباید آن را دست کم گرفت. راه ناقص به چیست؟ گارباچف در همین باره نیه ید می‌کند: "ما روی این مساله حساب می‌کنیم که به چه نای ملی و در درجه نخست، مردم آمریکا و وی و نیروهای سلیم انفس در همه کشورها، تلاش را مضاعف خواهد کرد تا نخستین جواهرهای خلق هستی را که از میان قشر قوتور پیدا وری‌ها و وهای خصمانه روئیده است، و مراقتیست

این تلاش، وظیفه ایست همگانی، یا به ترمیم مبرم‌ترین وظیفه همگانی، تنها ورکردن این نیه‌ها، امر مستحکم است که تنها زندانها دستگیر شده نیروهای است که برای بقای بشریت و تمدن، ی صلح پایدار روزنگی شرافتمندانه می‌سازد

کنند. مردم پهلای کشیده میهن ما که از غریت جنگ، ی خانما نسوز و عیب، به جان آمده‌اند، مردمی که موجوداتن سرشار از نیا زوعش و زیستن در صلح و دیست، به یقین این دستاورد را از آن خود هندهند نیست.

مردم پهلای کشیده میهن ما که از غریت جنگ، ی خانما نسوز و عیب، به جان آمده‌اند، مردمی که موجوداتن سرشار از نیا زوعش و زیستن در صلح و دیست، به یقین این دستاورد را از آن خود هندهند نیست.

### کره جنوبی ابقاً ارتجاع

"روتا شو" کا نندیای حزب حاکم کره جنوبی، مهره ایالات متحده آمریکا، با تقلب سر از منصفی ق انتخابات ریاست جمهوری در آورد. روتا شو دوست قدیمی "چون دوهوان" دیکتاتور فعلی کره جنوبی، فرما نده پیشین نیروهای ارتجاعی، وزیر کشور، وزیر امور خارجه و سایر مقامات دولتی را بر سر پا بقیه و موردا اعتماد آمریکا است. او که در سنا ریوی آمریکا بی تعدیسل اوضاع کره جنوبی، از چند ماه پیش قیافه لیبرال بخود گرفت و برخی شعارهای دموکراتیک اپوزیسیون رژیم ارتجاعی را کرد، توانست دور قیام دیگر خود برای ریاست جمهوری را که از اپوزیسیون "اتلاف ملی برای دموکراسی" بودند، تنها با ۲۶٪ مجموع آرا، و بسا اعمال نفوذ و تقلب در انتخابات شکست دهد. دو حزب عمده مخالف مجموعاً با ۵۵٪ آرا (حزب دموکراتیک و وحدت مجدد ۲۸٪ و حزب برای صلح و دموکراسی ۲۷٪) احتمال این شکست نندند.

شواهد و نتایج آرا، گویاست که آنچه پیروزی روتا شو و رادبرابر جنبش نیرومند شده‌ای تصحیح نمودند، دقت تنظیم ستاروی آمریکا، بلکه دو دستگی رهبران "اتلاف ملی برای دموکراسی" بود. این اختلافات در دوره ماه‌ها اخیر عملاً کار را به نجات کشاند که دو حزب عمده مخالف دیکتاتور را مزدهای

"مبارزه با گرانی" ... بقیه از صفحه اول

که اعتقاد به قیمت گذاری و اجرای طرح تعزیرات حکومتی ندارند، باید بکنند و سرودن "استعفایا بدهند. در ضمن هم باید بدهند که در سنا رزمیور هشدار داد که نداد و وضع موجود موجب "تغییران فراق" خواهد شد.

هم چنین در سنا رزمیور که موسوی نخست وزیر رژیم با مرزا بیشتر روی ن سواست که یکی از اهداف طرح تعزیرات حکومتی، تصفیه حساب با رفیقان دولت دموکراسی است که "رکنا رفقا لیبرالیستهای اقتصاد می‌تواند به فکر قیام قدرت سیاسی" هستند. وی در این باره چنین گفت: "فرمانداران که مجری طرح تعزیرات حکومتی هستند، با سیاستی که اندیشه‌های انحرافی و جوسازی می‌سازد، تشکیل

بسیار دهنی نظیر نیوت که رکنا رفقا لیبرالیستهای اقتصاد می‌تواند به فکر قیام قدرت سیاسی بودند، نه تنها از طریق سوء استفاده‌ها و بهره‌برداری از جنبش جوسازی می‌شود است. (اطلاعات ۱۳ آبان) به این ترتیب معلوم گشت که "بسیار دهنی نظیر نیوت نیوت" نه به خاطر غارت دستنچ مردم، بلکه به خاطر اینکه "به فکر قیام قدرت اقتصاد بودند، مورد تعرض دولست موسوی قرار گرفتند.

در عین حال موسوی و همداستان وی تلاش می‌کنند اینطور وانمود کنند که گویا این نظام سرمایه‌داری، این جمهوری بورژوازی اسلامی و دولت آن نیست که عامل گرانی است، این جنگ نیست که آن را تشدید کرده است، بلکه "تغییرات اقتصادی" نسانه‌های زار نندوز" باعث و بانی گرانی هستند. چون از پرداخت مالیات خودداری می‌کنند و دست به احتکار کالا می‌زنند، در این نیکه‌کسی و نجا در خود عاقل نندید گرانی هستند، نباید تردید کرد. ولی مسئله این است که "تجار محترم" زیرعبای آخوندها و درکنف حمایت آنهاست که هر گاری که می‌خواهند می‌کنند، آخوندهای که مثال موسوی را سرکار آورده‌اند.

موسوی ضمن منحرف کردن توجه مردم از عوامل اصلی ایجاد گرانی، می‌کوشد که با آن بخش از نجا ریز بزرگ که از پرداخت مالیات و به عبارت دیگر از پرداخت مالیات کسب جوی زاری غارت هر چه بیشتر توده‌ها، به دولت موسوی خودداری می‌کنند، تصفیه حساب کرده و آنها را وادار به تمکین از دولست، کنند. یعنی جریان "مبارزه با گرانی" را درجهست تحکیم مواضع خود علیه رفیقان مورد بهره‌برداری قرار دهد.

بهره‌برداری سیاسی از مساله "مبارزه با گرانی" برای دولت موسوی، از این نظر نیز بسیار اهمیت است که "انتخابات" آینه در پیش است. طرفین از تلاش میروند علیه یکدیگر تیز می‌کنند تا بتوانند در این "انتخابات" بیشترین موفقیت را از آن خود کنند. از این ره‌فره که در زمان انتخابات نزدیک‌تری شود، طرفداران دولست می‌خواهند هر چه بیشتر "فد گرانی" و گرانی نفروشی بخود بگیرند، تا بتوانند اندیشه استفاده از آن اعتماد توده‌ها را جلب کرده و موقعیت حریف مقابل را کمه

بی برده‌تر از آنها از نگرانی تجار رفعا کسب کرده و تا به تحمل کوچکترین اقدامی برای رفعا نرات بی بندوبار تجار "محترم" را نندارد، تصفیه کنند. آنچه که برای طرفین دعوا در "مبارزه با گرانی" مطرح نیست، منافع توده‌های مردم است. زیرا هر دو خواهان حفظ کل نظام قرون وسطایی حاکم بود و خدمتگزار نظام سرمایه‌داری و بویژه تجار بزرگ می‌باشد. بنا بر این هر دو ارتجاعی‌اند، آنچه که آنها را از هم در این جریان متمایز می‌کند، اختلاف در روش غارت است. یکی طرفدار غسارت بی بندوبار است و آن دیگری طرفدار غارت طبسقی

جداگانه‌ای برای انتخابات ریاست جمهوری معرفی کردند. این اختلافات علیرغم تقاضای گسترده مردم بویژه تلاش اعضای ائتلاف، برای رفع آن جهت مقابله یکپارچه با دیکتاتور و اعلام کا نندیای واحد، کنار گذاشته نند. و نتیجاً نند که کا نندیای حزب حاکم با یک اکثریت نسبی بسا تعدادی به مراتب کمتر از مجموع آرای اپوزیسیون به موفقیت بزرگی دست یابد.

در طول رای گیری و نیز بلافاصله پس از پایان انتخابات، مردم کره نسبت به چگونگی انجام انتخابات و اعمال تقلب به اعتراضات گسترده در سنا سر و شورش‌ها و تظاهرات خود را بطل نتیجه انتخابات اخیر شدند. نیروهای مسلح و سپاه ۱۲۰۰۰۰ نفری پلیس که از همان ساعات شروع انتخابات به حال آما ده‌باش درآمده بودند، با دیدن ضرب و شتم و خشونت متعرضین انتخابات دست زده‌اند. از اعلام نتیجه انتخابات تا اکنون قریب ۴۰۰۰ نفر مجسد با زدا شده‌اند.

نتیجه انتخابات اخیر - اگر قطعیت یابد - به معنی ادا به سلطه دولتی، سیاسی و اقتصادی آمریکا به صورت گذشته است. همین عامل مهم انگیزه اصلی اعتراض روزافزون مردم و اوج گیری جنبش طبقه کارگر علیه رژیم دیکتاتور و بسته در راه نامیدن دموکراسی و اعمال اراده بر سر نوشت کشور بوده است. انگیزه‌ای که نتیجه انتخابات اخیر تغییر بی‌درننده است.

اخراج پناهندگان سیاسی بقیه از صفحه اول

مطوعات و رساله‌های غربی، درباریه این سوال، تقریباً به تفاهت، تا کید کرده‌اند که اخراج پناهندگان، بخشی از یک معادله وسیع، بیچسبده و پراکنده است. در رژیم موجود است و این توجیه که این همه دست و پا بازی راستیای فرانسوی‌ها را نیش چنگدوگان بوده، به کلی عاری از حقیقت است.

البته سران خائن رژیم ققیما در باره ادای این معادله و خیانتهای ناشی از آن، تاکنون سکوت نوده‌اند و این سکوت بهترین گواهی خیانتهای آن‌هاست. رساله‌های آمریکا و انگلیس، تبلیغات گسترده‌ای را علیه دولت شبراک و ظواهر ادعا از پناهندگان به راه انداختند. روشن است که برای امیریا لیستهای انگلیسی و آمریکائی "حقوق و زندگی پناهندگان کمترین ارزشی ندارد و در فشار دولت تا جرورگان با پناهندگان مترقی ایران موید آن است. این تبلیغات به نظر "انسان دوستانه" تنها نشان می‌دهد که در این جریان پای "لقمه چربی" در میان بوده است که ظاهراً دست راستی‌ها تا فرانسه، به تنهایی و بدون رضایت "دولت" بلعیده‌اند.

این رویداد، آنچه مورد زمان مجاهدین که علیرغم توصیه‌های دولستانه، روی روابط خود با محافل دست راستی غرب، حساب ویژه‌ای ساز کرده است، و روشن می‌سازد که ادا به سلطه "دموکراسی" و "حقوق بشر" دولت‌های امیریا لیستی تا جاده ننداز تا به منافع غارتگرانه آنها است و چگونگی همه عیبه‌ها، مقررات و قوانین اساسی و غیر اساسی را در مقابل منافع انحصارات که به دروغ "منافع ملی" معرفی می‌شود، به ورق پاره بدل نموده، لگدمال می‌کنند و چگونه تکبیر کردن به اینگونه دولت‌ها در مبارزه علیه آدم‌کشی خمینی و توهم‌پراکنی بی‌رامون آنها، نیروهای ملی و مترقی را دچار انحراف می‌کنند.

بررسی این رویداد، با دیدن گرامهت ارتجاعی و ضلعی دیپلماسی تا جایی رژیم فراق را نیز بسلا می‌سازد. این دیپلماسی برای تا مین بار زهای جنگ و برای سرکوب مخالفان رژیم، چوب حراج بر شروتهای ملی و دستبرخاز حتمگشتان ایران می‌زند و در بنیست پنهانی تا ارتجاعی‌ترین باندها و محافل فاشیائی، بریاد می‌دهد.

سازمان ما تصفیقات دولت دست راستی زاک شبراک و توسط جمهوری اسلامی علیه مجاهدین را محکوم می‌کند و ضمن محکوم کردن این اقدام، علیه هرگونه تعرض به حقوق مجاهدین سیاسی ایران مشترکاً مبارزه می‌کنند.

کنترل، یکی، دورا نندیانه انجام برخی اقدامات را برای کا هشت تا زمانی مردم پیشینها می‌کنند و نصیحت می‌کند: کمتر غارت کنید تا موجب "ظلمتان فراق" نشوید، دیگری فریاد می‌زند: "لگدمال" "الکاسب حبیب الله"، و حبیب خدا را در غارت مردمی نیست. خلاصه دعوا بر سر حشرات است، نه نفس غارت.

مردم میهن ما به اصطلاح، "مبارزه رژیم بسا ثروست‌های اقتصاد" در سال ۱۳۶۶ راه یابد دارند و نمیان تهی‌بودن آن را بخوبی تجربه کرده‌اند. حالابا پدیدانسته‌شده که نه شلال زدن تعدادی معدود گران نفروشی سب خواهد شد که گران زمین برود و نه جریحه‌تعدادی تا جرمحتکر، گرانی انبارگسیخته موجود وقتی تعدیل خواهد شد که به جنگ خانمانسوز

خانمانسوز خواهد بود زمانی امکان مبارزه با بسا آن پدید می‌آید که دولت و رژیم خمینی به همان زیا لهدانی که رژیم‌ها انداخته‌اند، انداخته‌شود و به جای آن حکومتی مردمی مستقر گردد.

مردم میهن ما به اصطلاح، "مبارزه رژیم بسا ثروست‌های اقتصاد" در سال ۱۳۶۶ راه یابد دارند و نمیان تهی‌بودن آن را بخوبی تجربه کرده‌اند. حالابا پدیدانسته‌شده که نه شلال زدن تعدادی معدود گران نفروشی سب خواهد شد که گران زمین برود و نه جریحه‌تعدادی تا جرمحتکر، گرانی انبارگسیخته موجود وقتی تعدیل خواهد شد که به جنگ خانمانسوز

خانمانسوز خواهد بود زمانی امکان مبارزه با بسا آن پدید می‌آید که دولت و رژیم خمینی به همان زیا لهدانی که رژیم‌ها انداخته‌اند، انداخته‌شود و به جای آن حکومتی مردمی مستقر گردد.

مردم میهن ما به اصطلاح، "مبارزه رژیم بسا ثروست‌های اقتصاد" در سال ۱۳۶۶ راه یابد دارند و نمیان تهی‌بودن آن را بخوبی تجربه کرده‌اند. حالابا پدیدانسته‌شده که نه شلال زدن تعدادی معدود گران نفروشی سب خواهد شد که گران زمین برود و نه جریحه‌تعدادی تا جرمحتکر، گرانی انبارگسیخته موجود وقتی تعدیل خواهد شد که به جنگ خانمانسوز

خانمانسوز خواهد بود زمانی امکان مبارزه با بسا آن پدید می‌آید که دولت و رژیم خمینی به همان زیا لهدانی که رژیم‌ها انداخته‌اند، انداخته‌شود و به جای آن حکومتی مردمی مستقر گردد.

مردم میهن ما به اصطلاح، "مبارزه رژیم بسا ثروست‌های اقتصاد" در سال ۱۳۶۶ راه یابد دارند و نمیان تهی‌بودن آن را بخوبی تجربه کرده‌اند. حالابا پدیدانسته‌شده که نه شلال زدن تعدادی معدود گران نفروشی سب خواهد شد که گران زمین برود و نه جریحه‌تعدادی تا جرمحتکر، گرانی انبارگسیخته موجود وقتی تعدیل خواهد شد که به جنگ خانمانسوز

خانمانسوز خواهد بود زمانی امکان مبارزه با بسا آن پدید می‌آید که دولت و رژیم خمینی به همان زیا لهدانی که رژیم‌ها انداخته‌اند، انداخته‌شود و به جای آن حکومتی مردمی مستقر گردد.

